

# فصل ششم

## حج

### فضیلت حج و عمره:

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: **(العمره إلى العمرة كفارة لما بينهما، والحج المبرور ليس له جزاء إلا الجنة)** [839] «عمره تا عمره كفاره‌ی گناهان بین آن دو است و حج مقبول (که در آن گناه نباشد) جز بهشت پاداشی ندارد».

از ابن مسعود روایت است که پیامبر فرمود: **(تابعوا بين الحج و العمرة فإنهما ينفيان الذنوب و الفقر، كما ينفي الكير خبث الحديد و الذهب و الفضة، و ليس لحجة مبرورة ثواب إلا الجنة)** [840] «پی در پی حج و عمره کنید زیرا آن دو گناهان و فقر را از بین می‌برند همانطور که دم آهنگری ناخالصی و زایده‌ی آهن و طلا و نقره را می‌زداید و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد».

از ابوهریره روایت است: از پیامبر شنیدیم که می‌فرمود:

**(من حج الله عزوجل فلم يرفث و لم يفسق، رجع كيوم ولدته أمه)** [841] «هر کس برای رضای خدای عزوجل حج کند، و (هنگام احرام) از آمیزش و امور شهوانی با همسرش پرهیز نماید و معصیت نکند زمانی که از حج باز می‌گردد مانند روزی است که مادرش او را زاییده است».

از ابن عمر روایت است که پیامبر فرمود: **(الغازي في سبيل الله، والحاج و المعتمر، وفد الله دعاهم فأجابوه، وسألوه فأعطاهم)** [842] «مجاهد در راه خدا و کسی که به حج و عمره برود هیئت و نمایندگان خدا هستند، خدا آنان را (به عبادت) خود فرا خوانده و آنها اجابت کرده‌اند و از او خواسته‌اند، خدا هم به آنان عطا کرده است».

### فهرست

حج و عمره در زندگی یک بار بر هر مسلمان بالغ و عاقل و آزاد و توانا واجب است

خداوند متعال می‌فرماید:

( إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ )

(آل عمران : 96 و 97)

«نخستین خانه‌ای که برای مردم (جهت عبادت) بنیانگذاری گشته است خانه‌ای است که در مکه قرار دارد. (کعبه نام و از لحاظ ظاهر و باطن) پربرکت و نعمت است و (از آنجائی که قبله‌گاه نماز مسلمانان و مکان حج آنان یعنی کنگره بزرگسالانه ایشان است مایه) هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشنی است. مقام ابراهیم. (یعنی مکان نماز و عبادت او از جمله آنها است) و هر کس داخل آن (حرم) شود در امان است. و حج این خانه الهی واجب است بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی برای رفتن به آنجا را دارند و هر کس وجوب حج را انکار کند کافر می‌شود و (به خود زیان رسانده نه به خدا) که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است».

از ابوهریره روایت است : پیامبر r برای ما خطبه خواند و فرمود :

(یا ایها الناس إن الله قد فرض علیکم الحج فحجوا، فقال رجل : أكل عام یا رسول الله؟ فسکت حتی قالها ثلاثا، ثم قال r : لو قلت نعم لوجبتم و لما استطعتم، ثم قال : ذرونی ما ترککم، فإنما أهلك من كان قبلكم كثرة سؤالهم و اختلافهم علی أنبیاءهم، فإذا أمرتکم بأمر فأتوا منه ما استطعتم، و إذا نهیتکم عن شیئی فدعوه) [843] «أی مردم! خداوند حج را بر شما فرض کرده است؛ پس حج کنید. مردی گفت : ای رسول خدا! آیا هر سال؟ پیامبر r ساکت شد تا آن مرد سه بار سؤالش را تکرار کرد. سپس پیامبر r فرمود : اگر می‌گفتم بله، حج (هر سال) بر شما واجب می‌شد و شما توانایی انجام آن را نمی‌داشتید، سپس فرمود : در آنچه شما را بر آن گذاشته‌ام مرا رها کنید؛ زیرا کسان قبل از شما را سؤالات زیاد و اختلاف با پیامبرانشان هلاک گردانید، پس هرگاه شما را به کاری امر کردم در حد توانتان آن را انجام دهید و هرگاه شما را از چیزی نهی کردم از آن دست بردارید».

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : (بنی الإسلام علی خمس؛ شهادة أن لا إله إلا الله، و أن محمدا رسول الله، و إقام الصلاة، و إيتاه الزكاة، و حج البيت وصيام رمضان) [844] «اسلام بر پنج رکن بنا شده است : گواهی دادن به اینکه هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست و محمد r رسول الله است و بر پایی نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، و روزه‌ی ماه رمضان».

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود : (هذه عمرة استمتعنا بها، فمن لم یکن عنده الهدی فلیحل الحل کله، فإن العمرة قد دخلت فی الحج إلی یوم القیامة) [845] «این عمره‌ای است که ما با آن تمتع کردیم پس کسی که با خود هدی ندارد از احرام بیرون بیاید، زیرا عمره تا روز قیامت همراه با حج جایز است».

از صبی بن معبد روایت است : (أتیت عمر t فقلت : یا امیرالمؤمنین، انی أسلمت، وانی وجدت الحج و العمرة مكتوبین علی، فأهللت بهما، فقال : هدیت لسنة نبیک) [846] «نزد عمر t آمدم وگفتم : ای امیرالمؤمنین من اسلام آوردم و دیدم که حج و عمره بر من واجب است، هر دورا با هم نیت کردم، عمر گفت به سنت پیامبرت هدایت شده‌ای».

## فهرست

### حج کودک، دیوانه و برده:

حج بر کودک و دیوانه و برده واجب نیست چون پیامبر r می‌فرماید :

(رفع القلم عن ثلاثة : عن المجنون حتى یفیک، و عن النائم حتى یتیقظ، و عن الصبی حتى یحتلم) [847] «تکلیف از سه دسته برداشته شده است : از دیوانه تا هوشیار شود، از به خواب رفته تا بیدار شود و از بچه تا بالغ شود».

حج بر برده هم واجب نیست؛ چون مشغول خدمت سیدش است و توانایی انجام حج را ندارد، البته اگر کودک یا برده مراسم حج را بجای آورند، حج آنها صحیح است ولی جای حج واجبی را که بعد از بلوغ کودک و آزادی برده واجب می‌شود، نمی‌گیرد :

از ابن عباس روایت است : زنی، کودکی را نزد پیامبر r آورد و گفت : آیا حج این بچه صحیح است؟ پیامبر r فرمود : (نعم و لک اجر) [848] «بله و برای تو نیز اجر هست».

همچنین از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود : (أیما صبی حج ثم بلغ فعلیه حجة أخرى، و آیما عبد حج ثم عتق فعلیه حجة أخرى) [849] «هر کودکی که حج کرد سپس بالغ شد حجی دیگر بر او واجب است و هر برده‌ای حج را بجای آورد و سپس آزاد گردید حجی دیگر بر او واجب است».

## فهرست

### استطاعت چیست؟

استطاعت در باب حج عبارت است از : علاوه بر سلامت جسمی، مازاد بر مخارج افراد تحت تکفل، مقدار مالی داشته باشد که در رفت و برگشت او را کفایت کند و امنیت راه :

دلیل شرط بودن سلامتی برای فرضیت حج، حدیث ابن عباس است : (أن امرأة من خثعم قالت : یا رسول الله، إن أبی أدركته فريضة الله فی الحج شیخا کبیرا، لایستطیع أن یتوی علی الراحلة، فأحج عنه؟ قال : حجی عنه) [850] . «زنی از قبیله خثعم گفت ای رسول خدا! حج بر پدرم واجب شده است اما او مردی مسن است و نمی‌تواند بر شتر بنشیند آیا به جای او حج کنم؟ پیامبر r فرمود : به جای او حج کن».

دلیل اینکه حج‌کننده باید مقدار مالی داشته باشد که از نیاز او و افراد تحت تکفلش اضافی باشد، فرموده پیامبر ﷺ است :

**(کفی بالمرء إثماً أن يضيع من يقوت)** [851] «برای گناهکار شدن شخصی همین کافی است که حق افراد تحت تکفل خود را ضایع کند».

امنیت راه به این دلیل شرط است که ادای حج بدون امنیت موجب ضرر می‌شود، و شریعت از ضرر در هر صورت نهی کرده است.

## فهرست

### حج زن:

هرگاه شرایط مذکور برای زن هم فراهم شد، کاملاً مانند مرد حج بر او واجب می‌شود البته برای زن شرط دیگری وجود دارد و آن اینکه برای رفتن به حج باید شوهر یا محرمی به همراه او باشد، پس اگر شوهر یا محرمی را برای همراهی در سفر حج نیافت جزو کسانی محسوب می‌شود که توانایی انجام حج را ندارد. از ابن عباس روایت است : از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود : **(لايخون رجل بامرأة إلا و معها ذو محرم، و لاتسافر المرأة إلا مع ذي محرم، فقام رجل فقال : يا رسول الله، إن امرأتي خرجت حاجة، و إنى اکتبت في غزوة كذا و كذا، فقال : انطلق فحج مع امرأتك)** [852] «هیچ مردی با زنی (نامحرم) خلوت نکند مگر اینکه آن زن به همراهی محرمی باشد و هیچ زنی مسافرت نکند مگر به همراه محرمی، مردی بلند شد و گفت ای رسول خدا همسرم برای رفتن به حج آماده شده و من هم برای غزوه‌ی فلان و فلان نامنویسی کرده‌ام، پیامبر ﷺ فرمود : برو و با زنت حج کن».

### برای ادای حج باید عجله کرد:

کسی که توانایی ادای حج را دارد، باید فوراً آن را ادا کند؛ به دلیل فرموده پیامبر ﷺ : **(من أراد الحج فليتعجل، فإنه قد يمرض المريض، تضل الضالة، و تعرض الحاجة)** [853] «هر کسی اراده حج کرد، شتاب کند؛ چون امکان دارد مریض شود یا مرکبش را از دست بدهد و اینکه نیازی پیش آید».

## فهرست

### مواقیت:

مواقیت جمع میقات است مانند مواعید و میعاد و آن دو نوع است :

مواقیت زمانی و مواقیت مکانی. [854]

## مواقیت زمانی:

خداوند متعال می‌فرماید :

( یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ) (بقره : 189)

«ای پیامبر) درباره هلال‌های ماه از تو می‌پرسند. بگو آنها شناسه‌های زمانی (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است».

و می‌فرماید :

( الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ ) (بقره : 197)

«حج در ماه‌های معینی انجام می‌پذیرد».

ابن عمر می‌گوید : (أشهر الحج شوال و ذوالقعدة و عشر من ذی الحجة) [855] «ماه‌های حج، شوال ذوالقعدة و ده روز از ذوالحجه می‌باشد».

ابن عباس می‌گوید : (من السنة أن لا یحرم بالحج ذلأ فی أشهر الحج) [856] «سنت آن است که فقط در ماه‌های حج برای انجام آن احرام بسته شود».

## مواقیت مکانی:

از ابن عباس روایت است : (إن النبی r وقت لأهل المدينة ذا الحلیفة، و لأهل الشام الحجة، و لأهل نجد قرن المنازل، و لأهل الیمن یلملم، و قال : هن لهن و لمن أتى علیهن من غیرهن ممن أراد الحج و العمرة، و من كان دون ذلك فمن حیث أنشأ، حتی أهل مكة من مكة) [857] «پیامبر r «ذوالحلیفه» را برای اهل مدینه و «جحفه» را برای اهل شام و «قرن المنازل» را برای اهل نجد و «یلملم» را برای اهل یمن میقات قرار داد، سپس فرمود : این اماکن برای آنان و کسانی که از مناطق دورتر، برای ادای حج و عمره، از این اماکن عبور می‌کنند، میقات محسوب می‌شود و کسی که محل سکونتش نزدیکتر از این مواقیت به مکه باشد از هر جایی که قصد حرکت به مکه کند میقات او به حساب می‌آید. حتی برای اهل مکه، خود مکه میقات محسوب می‌شود».

از عایشه روایت است : (أن النبی r وقت لأهل العراق ذات عرق) [858] «پیامبر r میقات اهل عراق را «ذات عرق» قرار داد».

پس هر کس که خواسته باشد برای انجام حج و عمره به مکه برود، جایز نیست بدون احرام از این مواقیت عبور کند.

بستن احرام قبل از رسیدن به میقات درست نیست و آنچه درباره تشویق و ترغیب به احرام قبل از میقات روایت شده غیر صحیح است، در صورتی که احادیث صحیحی هستند

که خلاف این موضوع را ثابت می‌کنند. درباره علل این احادیث مطالبی در «سلله احادیث ضعیفه» (212/210) آمده که می‌توان به آن رجوع کرد.

چه زیبا است سخن امام مالک(ره) به مردی که می‌خواست قبل از ذوالحلیفه احرام ببندد. گفت: «این کار را نکن، می‌ترسم دچار فتنه شوی، آن مرد گفت: چه فتنه‌ای در این هست؟ فقط چند مایلی دورتر از ذوالحلیفه احرام می‌بندم. امام مالک گفت: چه فتنه‌ای بزرگتر از این که گمان کنی در فضیلتی بر پیامبرؐ پیشی گرفته‌ای. خداوند می‌فرماید:

( **فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** ) (نور : 63)

«پس بترسند کسانی که با فرمان او مخالفت می‌کنند از اینکه بلایی گریبانگیر (دل‌های)شان گردد، یا اینکه دچار عذاب دردناکی شوند».

### عبور از میقات بدون احرام:

هر کس به قصد انجام حج و یا عمره بدون احرام از میقات عبور کند، و سپس احرام ببندد، گناهکار می‌شود و این گناه او پاک نمی‌شود مگر اینکه به میقات برگردد و از آنجا احرام ببندد سپس سایر مناسکش را به اتمام برساند» و اگر باز نگردد، حج یا عمره‌اش صحیح است ولی مرتکب گناه شده است و ذبح بر او واجب نیست. به دلیل حدیث صفوان بن یعلی که به عمرؓ گفت: (أرني النبي ﷺ حين يوحى إليه. قال: فبينما النبي ﷺ بالجعرانة - و معه نفر من أصحابه - جاءه رجل فقال: يا رسول الله، كيف ترى في رجل أحرم بعمره و هو متضمخ بطيب؟ فسكت النبي ﷺ ساعة، فجاءه الوحي، فأشار عمرؓ إلى يعلی، فجاء يعلی و علی رسول الله ﷺ ثوب قد أظلم به - فأدخل رأسه، فإذا رسول الله ﷺ محمر الوجه و هو يغط، ثم سري عنه فقال: أين الذي سأل عن العمرة؟ فأتى برجل. فقال: اغسل الطيب الذي بك ثلاث مرات، و انزع عنك الجبة، و اصنع في عمرتك كما تصنع في حجتك) [859]

«پیامبرؐ را هنگام نزول وحی به من نشان بده، گفت: در حالیکه پیامبرؐ همراه با چند نفر از اصحابش در جعرانه بود، مردی آمد و گفت: ای رسول خدا، نظرت درباره شخصی که احرام عمره بسته و خودش را معطر کرده چیست؟ پیامبرؐ لحظه‌ای ساکت ماند. آنگاه وحی بر او نازل شد، عمرؓ به یعلی اشاره کرد، یعلی آمد در حالی که پارچه‌ای بالای سر پیامبرؐ قرار داشت که با آن سایه شده بود. (یعلی) سرش را زیر پارچه برد، دید که پیامبرؐ صورتش سرخ شده و به تند نفس می‌کشد، سپس این حالت از او برطرف شد و فرمود: کسی که از عمره سؤال کرد، کجاست؟ آن مرد را آوردند. پیامبرؐ فرمود: عطری را که به خودت زده‌ای سه بار بشوی، و عبایت را درآور و هر کاری را که در حجت انجام می‌دهی در عمره‌ات هم انجام بده».

«این حدیث بصورت آشکار دلالت می‌کند بر اینکه اگر کسی در احرام مرتکب خلافی یا امری ممنوع شود، تنها لازم است که از آن کار دست بردارد؛ چون پیامبرؐ به مردی که عبای معطر (به عطر زنان) را پوشیده بود دستوری نداد مگر به درآوردن عبا و شستن

بوی عطر آن، و به او امر نکرد که حیوانی را بعنوان دم (جریمه) ذبح کند در حالیکه اگر واجب می‌بود، او را به ذبح آن امر می‌کرد؛ چون تأخیر بیان، از وقت حاجت جایز نیست با توجه به اینکه در اینجا ضرورت، بیان آن را ایجاب می‌کرد.<sup>(\*)</sup>

## فهرست

### احرام در میقات:

کسی که می‌خواهد احرام ببندد چنانچه هدی با خود دارد و می‌خواهد عمره را با حج نیت کند (قرآن) بگوید: «**لبيك اللهم بحجة و عمرة**» و اگر هدی همراه ندارد - و این افضل است - هنگام احرام فقط نیت عمره کند و بگوید:

«**لبيك اللهم بعمرة**» چنانچه در زمان بستن احرام نیت حج مفرده کرده بود باید آن را فسخ و به عمره تبدیل کند»<sup>[860]</sup> چون پیامبر<sup>ؐ</sup> به تمام اصحابش دستور داد تا از احرامشان بیرون بیایند و طواف و سعی‌شان را به عمره تبدیل کنند مگر کسانی که مانند پیامبر<sup>ؐ</sup> هدی آورده بودند و از کسانی که به اجرای امر او مبادرت نورزیدند، ناراحت شد، پیامبر<sup>ؐ</sup> بر این نکته تأکید کرد و فرمود: **(دخلت العمرة في الحج إلى يوم القيامة)** «تا روز قیامت عمره داخل حج شده است» لذا این حدیث نیز نصی است بر اینکه عمره جزئی جدانشدنی از حج است. و پیامبر<sup>ؐ</sup> فرمود: **(لو استقبلت من أمري ما استدبرت لم أسق الهدى)** «اگر از آینده خودم خبر داشتم، هدی نمی‌آوردم (چون با آوردن هدی تا روز قربانی خارج شدن از احرام جایز نیست)<sup>(\*)</sup> و این تنها احساسی از جانب پیامبر<sup>ؐ</sup> بر اینکه با بستن احرام قرآن رغبتی را از دست داده باشد نیست، بلکه اعلامی از طرف او است که حج تمتع از قرآن بهتر است.

پس بر هر حاجی لازم است که با حج، عمره‌ای را نیز انجام دهد، اگر هدی همراه نیاورده آن را قبل از حج انجام دهد، - که این همان تمتع است - و اگر هدی آورده آن را با حج انجام دهد - که این همان قرآن است - پس هر کدام از این دو را اختیار کند موافق سنت پیامبر<sup>ؐ</sup> است، هر چند همانطور که در ابتدا گفتیم، تمتع افضلتر از قرآن است.

باید دانست بر کسی که حج مفرده یا قرآن نیت کرده و هدی نیاورده، واجب است که پس از طواف و سعی، از احرام خارج شود، لیکن ممکن است کسی که احرام مفرده یا قرآن بسته، وقت کافی برای بیرون شدن از احرام و بستن احرام جدید برای حج قبل از پایان وقت عرفه نداشته باشد، لذا در اینصورت برایش جایز است که در همان احرام اول بماند تا از رمی جمره عقبه در روز دهم (یوم النحر) فارغ شود، و سپس از احرام بیرون آید.

مثلاً اگر کسی در روز نهم شبانگاه به مکه رسید و به دلیل کمی وقت و نزدیکی فجر بیم فوت وقوف در عرفه را داشت، بر او واجب است که برای وقوف (در عرفه) عجله کند، تا رکنی از ارکان حج که بدون آن حج تحقق نمی‌یابد را از دست ندهد و آن رکن، وقوف در عرفه است. پس حج مفرده تنها در موارد محدود و نادر جایز و مشروع است و اگر کسی

حج مفرده را به قصد ترجیح بر حج تمتع و قرآن انجام دهد، گناهکار می‌شود، چون امر پیامبر را آنگاه که به اصحابش دستور داد تا حشاش را با عمره انجام دهند، اجابت نکرده است. البته حشش صحیح است» (\*\*).

### فهرست

## برای محرم جایز است هنگام بستن احرام خروج از آن را به عذر بیماری و غیره شرط کند:

از عایشه (رض) روایت است: (دخل رسول الله r على ضباعة بنت الزبير، فقال لها: أردت الحج؟ قالت والله لا أجدني إلا وجعة فقال لها: حجي واشترطي، و قولي: اللهم محلي حيث حبستني) [861] «پیامبر r بر ضباعة بنت زبیر وارد شد و به او فرمود: آیا اراده حج کردی؟ گفت به خدا قسم من بیشتر اوقات بیمارم، پیامبر r فرمود: نیت حج کن و شرط کن و بگو خداوندا! هر جایی که مرا از حج باز داشتی همان جا محل بیرون آمدنم از احرام است».

پس هر کس - زمان بستن احرام - چنین شرطی کرد، هر وقت چیزی مانند بیماری، دشمن یا غیره، او را از ادامه حج باز داشت، می‌تواند از احرام بدون اینکه «دم» بر او واجب شود، بیرون آید.

ولی کسی که این را شرط نکرده باشد، وقتی از ادامه حج باز داشته شد «دم» بر او واجب می‌گردد به دلیل فرموده خداوند متعال: (فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ) «و اگر (از برگزاری بعضی از مناسک، به وسیله دشمن یا بیماری و غیره) باز داشته شدید هر آنچه از هدی فراهم شود (ذبح کنید)» و هدی فقط از انعام: شتر، گاو و گوسفند (یا بز) است، و اگر برایش گوسفند میسر بود کافی است، ولی شتر و گاو برای ذبح بهترند. پس اگر هدی برایش میسر نشد ده روزه بگیرد قیاس بر کسی که حج تمتع کند و هدی نداشته باشد.

### فهرست

## «مناسکتان را از من یاد بگیرید» حج پیامبر r

مسلم با سند خود [862] از جعفر بن محمد از پدرش روایت کرده: بر جابر بن عبدالله وارد شدیم. او از همه سؤال کرد تا به من رسید. گفتم: من محمد بن علی بن حسین هستم، دستش را بر سرم کشید، سپس دکنه بالای سینه‌ام را درآورد و بعد دکنه‌های بالا و پائین یقه‌ام را باز کرد و دستش را روی سینه‌ام گذاشت، من در آن هنگام نوجوانی بودم، گفتم: مرحبا به تو ای پسر برادرم، هرچه می‌خواهی سؤال کن، پس در حالی که نابینا شده بود از او سؤال کردم، سپس وقت نماز فرا رسید در حالی که پارچه‌ای بافته شده را به خود پیچیده بود برخاست. هرگاه آن پارچه را روی دوش خود می‌انداخت چون کوچک بود از



شانه‌اش پایین می‌افتاد، عبایش بر جالباسی آویزان بود، برای ما امامت کرد، سپس به او گفت: از حج پیامبر<sup>r</sup> برایم بگو، او نه انگشت دستش را مشت کرد سپس گفت:

پیامبر<sup>r</sup> تا نه سال حج نکرد. سپس در سال دهم به مردم اعلام کرد که می‌خواهد به حج برود. مردم زیادی به مدینه آمدند که همه آنها می‌خواستند به پیامبر<sup>r</sup> اقتدا کنند تا مانند او اعمال حج را به جای آورند. با او خارج شدیم تا به ذوالحلیفه رسیدیم، (در آنجا) اسماء دختر عمیس، محمد بن ابوبکر را به دنیا آورد، (لذا کسی را) پیش پیامبر<sup>r</sup> فرستاد که چکار کند؟ پیامبر<sup>r</sup> فرمود: **(اغتسلی و استتفیری<sup>\*</sup> بثوب و أحرمی)** «غسل کن و پارچه‌ای را روی محل خروج خون قرار بگذار و احرام ببند». پیامبر<sup>r</sup> در مسجد (ذوالحلیفه) نماز خواند و سپس سوار قصواء (لقب شتر پیامبر) شد تا به بیداء (نام محلی) رسید. نگاه کردم تا چشمم کار می‌کرد، جلو، راست و چپ و پشت سر پیامبر جمعیت سواره و پیاده دیده می‌شد، پیامبر<sup>r</sup> در میان ما بود، قرآن بر او نازل می‌شد و او تفسیر آن را می‌دانست و چیزی که به آن عمل می‌کرد ما هم به آن عمل می‌کردیم، با کلمه توحید این چنین لبیک گفت: **(لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک)** و مردم نیز با این تلبیه لبیک گفتند، و پیامبر<sup>r</sup> بدون اینکه چیزی را از آنان مانع کند تلبیه‌اش را ادامه داد.

جابر<sup>r</sup> گفت: ما فقط نیت حج می‌کردیم و عمره را نمی‌دانستیم تا وقتی که با پیامبر<sup>r</sup> به بیت‌الله رفتیم، او رکن (یمانی) را مسح کرد سپس سه دور شتابان و چهار دور آهسته زد سپس به طرف مقام ابراهیم<sup>u</sup> رفت و آیه:

**(وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى) (بقره: 125)**

«از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود برگیرید».

را خواند و مقام را بین خودش و بیت‌الله قرار داد. پدرم می‌گفت: «و یقین دارم که آن را از پیامبر<sup>r</sup> نقل کرده است» پیامبر دو رکعت نماز خواند در آن دو رکعت **«قل هو الله»** و **«قل یا ایها الکافرون»** را تلاوت کرد. سپس به طرف رکن یمانی باز گشت و آنرا مسح کرد، سپس به طرف رکن یمانی باز گشت و آنرا مسح کرد، سپس به طرف صفا خارج شد. همین که به صفا نزدیک شد آیه

**(إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرَّةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ) (بقره: 158)**

«بی‌گمان - سعی بین - صفا و مروه از شعائر دین الهی است».

را خواند و فرمود: **(أبدأ بما بدأ الله به)** «به چیزی که خداوند با آن شروع کرده، آغاز می‌کنم» به صفا شروع کرد و از آن بالا رفت تا بیت‌الله را دید سپس رو به قبله خدا را به یگانگی و بزرگی یاد کرد و فرمود: **(لا إله إلا الله، وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدير لا اله إلا الله وحده، أنجز وعده، و نصر عبده و هزم**

**الأحزاب وحده** «هیچ معبود بر حقی غیر از الله نیست. او (در ربوبیت و الوهیت و صفاتش) یکتا است و هیچ شریکی ندارد، مالکیت فقط برای او و حمد فقط لایق او است و او بر هر چیزی توانا است. هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست. او یکتا است، وعده خود را قطعی ساخت و بنده‌اش را یاری داد و احزاب (کسانی که در روز خندق با پیامبر جنگ کردند) را به تنهایی شکست داد». این ذکر را سه بار خواند و میان آنها دعا می‌کرد، سپس به طرف مروه پایین آمد و وقتی که به «بطن الوادی» رسید، شروع به دویدن کرد تا به بالا رسیدیم سپس بصورت معمولی حرکت کرد تا به مروه رسید، اعمالی را که بر صفا انجام داده بود بر مروه هم انجام داد. وقتی که در آخرین بار به مروه رسید فرمود: **(لو أنى استقبلت من أمرى ما استدبرت لم أسق الهدى و جعلتها عمرة، فمن كان منكم ليس معه هدى فليحل و ليجعلها عمرة)** «اگر آینده‌کارم را می‌دانستم اینچنین نمی‌کردم، هدی نمی‌آوردم، و آن را عمره قرار می‌دادم. پس هر کسی از شما که هدی با خود ندارد، باید از احرام خارج شود و آن را عمره قرار دهد».

سراجه بن مالک بن جعشم بلند شد و گفت: ای رسول خدا! آیا این حکم تنها برای امسال است یا همیشگی است؟ پیامبر r انگشتانش را در هم فرو برد و دوبار فرمود: **(دخلت العمرة في الحج)** «عمره داخل حج شد» **(لا بل لأبد أبداً)** «نه (برای امسال) بلکه تا ابد».

علی با شترهای پیامبر r از یمن آمد، دید که فاطمه (رض) از جمله کسانی است که از احرام بیرون آمده‌اند، لباس رنگی پوشیده و سرمه زده است. (علی) این کار او را نادرست دانست، فاطمه گفت: پدرم مرا به این کار امر کرده. (جابر) گوید: علی در عراق می‌گفت: در حالیکه از کار فاطمه ناراحت بودم نزد رسول الله r رفتم و در مورد کار فاطمه از او سؤال کردم و گفتم: من از این کار فاطمه ایراد گرفتم. پیامبر r فرمود: **(صدقت صدقت، ماذا قلت حين فرضت الحج؟)** «(فاطمه) راست گفته، درست گفته، هنگام نیت حج چه گفتی؟» (علی) گفت: گفتم خداوندا! تلبیه می‌گویم (نیت می‌کنم) مانند تلبیه‌ای (نیت) پیامبر r فرمود: **(فإن معى الهدى فلاتحل)** «من هدی همراه دارم، لذا از احرام خارج نشو».

(جابر) گوید: تمام شترهایی که علی از یمن و پیامبر به‌مراه خود آورده بود، صد رأس بود (جابر) گوید: تمام مردم از احرام خارج شدند و موی سرشان را کوتاه کردند بجز پیامبر r و کسانی که هدی به همراه داشتند. سپس روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه)، به منی رفته و برای حج تلبیه گفتند، (نیت حج آوردند)، پیامبر r سواره به آنجا رفت و نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح را برای آنان به (جماعت) خواند. سپس کمی منتظر ماند تا خورشید طلوع کرد و دستور داد تا خیمه‌ای از مو در نمره برایش برپا کنند. پیامبر r حرکت کرد، و قریش یقین داشتند که او در مشعر الحرام توقف می‌کند همچنان که آنان در جاهلیت این کار را انجام می‌دادند. پیامبر r از آنجا عبور کرد تا به عرفه رسید، دید که خیمه را برایش در نمره نصب کرده‌اند، در آنجا ماند تا خورشید (به طرف مغرب) زوال کرد، پس دستور داد تا شتر (قصواء) را آماده کنند. قصواء را آماده کردند، به «بطن الوادی» رفت و برای مردم سخنرانی کرد و فرمود:

(إن دمانکم و أموالکم علیکم حرام، کحرمة یومکم هذا، فی شهرکم هذا، فی بلدکم هذا، ألا کل شیء من أمر الجاهلیة تحت قدمی موضوع، و دماء الجاهلیة موضوعة، و إن أول دم أضع من دماننا دم ابن ربیعة بن الحارث، کان مسترضاً فی بنی سعد فقتلته هذیل، و ربا الجاهلیة موضوع، و أول ربا أضع ربانا، ربا عباس ابن عبدالمطلب، فإنه موضوع کله، فاتقوا الله فی النساء، فإنکم أخذتموهن بأمان الله، و استحللتم فروجهن بكلمة الله، ولکم علیهن أن لا یوظئن فرشکم أحدا تکرهونه، فإن فعلن ذلك فاضربوهن ضرباً غیر مبرح، و لهن علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف، و قد ترکت فیکم ما لن تضلوا بعده إن اعتصمتم به کتاب الله، و أنتم تسألون عنی فما أنتم قائلون؟ قالوا : نشهد أنك قد بلغت و أدیت و نصحت. فقال بإصبعه السبابة یرفعها إلى السماء و ینکتها إلى الناس : اللهم أشهد، اللهم أشهد، ثلاث مرات) «به راستی خونها و امواتان بر شما حرام است مانند حرمت این روز، این ماه، و این شهرتان، بدانید که تمام دستورات جاهلیت را زیر پا نهادهام و خونهای جاهلیت نیز هدر است (کسی حق طلب خونی را که در جاهلیت ریخته شده ندارد) و اولین خونی که از خودمان زیر پا می‌گذارم خون «ابن ربیعه بن حارث» است که طفلی شیرخوار در میان قبیله بنی سعد بود و قبیله هذیل او را کشت. ربای جاهلیت نیز زیر پای است و اولین ربایی را که از خودمان زیر پا می‌گذاریم، ربای عباس بن عبدالمطلب است که تمام آن از اعتبار ساقط است، پس در رفتار با زنان از خدا بترسید؛ چون شما آنان را با عهد و پیمانی از طرف خدا گرفته و به حکم خدا آنان را برای خود حلال کرده‌اید و حق شما بر آنان این است که کسانی را که دوست ندارید به خانه‌هایتان راه ندهند، اگر مرتکب این کار شدند، به صورت نه چندان شدید آنان را بزنید. و حق آنان بر شما این است که خوراک و پوشاک آنان را به خوبی فراهم کنید. در میان شما چیزی را از خود برجای گذاشته‌ام که اگر به آن تمسک جویید، هرگز گمراه نمی‌شوید و آن کتاب خدا، (قرآن) است. درباره من از شما سؤال خواهد شد، شما چه می‌گویید؟ گفتند : شهادت می‌دهیم که به راستی پیام را رساندی و امانت را ادا و امت را نصیحت کردی؟ سپس در حالی که انگشت سبابه‌اش را به طرف آسمان بلند کرد و آن را به طرف مردم تکان می‌داد، فرمود : خداوندا! شاهد باش، خداوندا شاهد باش، خداوندا شاهد باش».

سپس اذان و اقامه گفته شد و نماز ظهر را خواند. آنگاه اقامه گفته شد و نماز عصر را بجای آورد و بین آن دو نمازی نخواند، سپس بر مرکبش سوار شد تا به موقف رسید، روی قصواء را به طرف صخره‌ها و مقابل (جبل المشاه) [863] رو به قبله کرد همچنان ایستاد تا وقتی که خورشید کاملاً غروب کرد، و مقداری از زردی آن نیز از بین رفت، سپس اسامه را پشت سر خود سوار کرده. (از عرفه) به سوی مزدلفه حرکت کرد، در حالیکه زمام شتر (قصواء) را به شدت می‌کشید، - طوریکه نزدیک بود سر شتر به جلو پالان برخورد کند - و با دست راستش اشاره می‌کرد و می‌فرمود : (أیها الناس السکینه السکینه) «ای مردم آرامش خود را حفظ کنید، آرامش خود را حفظ کنید». به هر تپه‌ای می‌رسید افسار شترش را شل می‌کرد تا بالا رود تا اینکه به مزدلفه رسید، در آنجا نماز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه برگزار کرد و بین آن دو، نمازی نخواند. سپس خوابید تا طلوع فجر، پس از آن نماز صبح را با یک اذان و یک اقامه برگزار کرد.

سپس بر قصواء سوار شد تا به مشعر الحرام رسید. آنگاه رو به قبله به دعا، تکبیر، تهلیل و بیان یگانگی خدا مشغول شد، همچنان تا روشنایی کامل در آنجا ماند، قبل از طلوع خورشید در حالیکه فضل بن عباس را که مردی زیباموی، سفید و خوش‌رو بود، با خود سوار کرده بود از آنجا حرکت کرد. وقتی پیامبر r حرکت کرد، چند زن از کنار آنها عبور کردند، فضل پیوسته به آنان نگاه می‌کرد. پیامبر r دستش را روی صورت فضل گذاشت لیکن فضل رویش را به طرف دیگر برمی‌گرداند و باز هم به آنها نگاه می‌کرد. پیامبر r دوباره دستش را روی صورت فضل قرار می‌داد و صورت فضل را به طرف دیگر می‌چرخاند، (حرکت کردند) تا به دره‌ای بزرگ به نام محسر (محلّی که اصحاب فیل در آنجا از بین رفتند) رسیدند، پیامبر r شترش را کمی حرکت داد و راه میانه‌ای را که به جمره کبری (عقبه) ختم می‌شد در پیش گرفت، تا اینکه به جمره که کنار درختی بود، رسید و هفت سنگ – که هر کدام به اندازه یک دانه باقلا بود که با انگشت پرتاب می‌شود – را از بطن وادی پرتاب کرد، و با هر پرتابی الله اکبر می‌گفت، آنگاه به محل قربانی رفت و با دست خودش شصت و سه حیوان را قربانی کرد. سپس علی را مسئول قربانی کردن بقیه هدی‌ها نمود، و او را در هدی خود شریک کرد. سپس دستور داد تا از هر حیوانی، تکه‌ای را جدا کرده و در دیگری بپزند، سپس از گوشت و آبگوشت آن خوردند.

پس از آن پیامبر r از منی به سوی مکه حرکت کرد و طواف افاضه را انجام داد. و نماز ظهر را در مکه خواند و نزد بنی عبدالمطلب رفت در حالی که از چاه زمزم آب بالا می‌کشیدند، فرمود: **(انزعوا بنی عبدالمطلب، فلولا أن یغلبکم الناس علی سقایتکم لنزعتم معکم)** «ای پسران بنی عبدالمطلب آب بکشید، اگر نمی‌ترسیدم از اینکه مردم در کشیدن آب به شمار فشار بیاورند (به گمان اینکه بالا کشیدن آب زمزم جزو مناسک حج است) من هم با شما آب می‌کشیدم». پس سطلی از آب زمزم را برای آوردن و از آن نوشید.

امام نووی(ره) در شرح مسلم (8/170) گوید :

«این حدیث، حدیث بزرگی است که مشتمل بر فواید عدیده و قواعدی نفیسه است. قاضی (عیاض) گوید: مردم درباره احکام فقهی این حدیث صحبت و احکام زیادی را از آن استخراج کرده‌اند. ابوبکر بن منذر کتاب بزرگی را در شرح آن نوشته و بیش از یکصد و پنجاه مسأله فقهی را از آن استنباط کرده است و اگر این حدیث بیشتر مورد بررسی قرار گیرد مسائل فقهی بیشتری از آن استخراج می‌شود».

فهرست

**حج یکی از عبادات است که ارکان و واجبات و سنتهایی دارد**  
**اولا- سنت‌های حج:**  
**أ- سنت‌های احرام:**

1- غسل هنگام احرام :

به دلیل حدیث زید بن ثابت : (أنه رأى النبي ﷺ تجرد لإهلاله و اغتسل) [864] «پیامبر ﷺ را دیدم که غسل کرد و احرام بست».

## 2- استعمال بوی خوش قبل از احرام :

به دلیل حدیث عایشه : (كنت أطيّب رسول الله ﷺ لإحرامه حين يحرم، و لحله قبل أن يطوف بالبيت) [865] «من پیامبر ﷺ را قبل از احرامش و نیز هنگام خارج شدن از آن، قبل از آنکه بیت‌الله را طواف کند بوی خوش می‌زد».

## 3- احرام بستن با ازار و ردای سفید :

به دلیل حدیث ابن عباس : (إنطلق النبي ﷺ من المدينة بعد ما ترجل و ادهن و لبس إزاره و رداءه هو و أصحابه) [866] «پیامبر ﷺ بعد از آنکه سرش را شانه و روغن زد و ازار و ردایش را پوشید با اصحابش از مدینه خارج شد».

اما دلیل استحباب سفیدی ازار و ردای حدیث ابن عباس از پیامبر ﷺ است که فرمود : (لبسوا من ثيابكم البياض، فإنها من خير ثيابكم، و كفنوا فيها موتاكم) [867] «از لباس‌هایتان سفید را بپوشید زیرا که آن از بهترین لباس‌هایتان است و در آن مرده‌هایتان را کفن کنید».

## 4- نماز خواندن در «دره عقیق» (\*) برای کسی که از آنجا عبور می‌کند :

به دلیل حدیث عمر که گفت : در (دره عقیق) از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود : (أتاني الليلة أت من ربي فقال : صل في هذا الوادي المبارك و قل عمرة في حجة) [868] «دیشب فرستاده‌ای از طرف پروردگارم نزد من آمد و گفت در این دره مبارک نماز بخوان و بگو عمره همراه حج است».

## 5- تلبیه گفتن با صدای بلند :

به دلیل حدیث سائب بن خالد که پیامبر ﷺ فرمود :

(أتاني جبريل فأمرني أن أمر أصحابي أن يرفعوا أصواتهم بالإهلال أو التلبية) [869] «جبرئیل نزد من آمد و به من دستور داد تا به اصحابم بگویم : با صدای بلند تهلیل و تلبیه بگویند». و به همین دلیل اصحاب پیامبر ﷺ صدایشان را هنگام تهلیل و تلبیه بسیار بلند می‌کردند :

ابوحازم می‌گوید : اصحاب پیامبر ﷺ وقتی احرام می‌بستند تا صدایشان را بلند نمی‌کردند، به آرامش خاطر نمی‌رسیدند» [870].

## 6- تحمید و تسبیح و تکبیر قبل از تلبیه :

به دلیل حدیث انس : (صلی رسول الله ﷺ و نحن معه بالمدينة الظهر أربعاً و العصر بذی الحلیفة رکعتین، ثم بات بها حتى أصبح، ثم ركب حتى استوت به علی البیداء حمدالله و سبح وکبر، ثم أهل بحج و عمرة)<sup>[871]</sup> «در حالی که با پیامبر ﷺ بودیم، نماز ظهر را در مدینه چهار رکعت و نماز عصر را در ذوالحلیفه دو رکعت خواند و تا صبح در آنجا باقی ماند سپس سوار (شترش) شد تا به بیداء رسید، و بعد از تحمید و تسبیح و تکبیر به حج و عمره تلبیه گفت».

#### 7- رو به قبله تلبیه گفتن :

به دلیل حدیث نافع : (كان ابن عمر إذا صلى بالغداة بذی الحلیفة أمر برأحلته، فرحلت ثم ركب، فإذا استوت به استقبل القبلة قائماً ثم یلبی ... و زعم أن رسول الله ﷺ فعل ذلك)<sup>[872]</sup> «وقتی ابن عمر نماز صبح را در ذوالحلیفه می‌خواند، دستور می‌داد تا شترش را آماده کنند، پس شتر برایش آماده می‌شد. سپس سوار می‌شد، وقتی شتر بلند می‌شد رو به قبله تلبیه می‌گفت و معتقد بود که پیامبر ﷺ این کار را انجام داده است».

#### فهرست

#### ب- سنت های ورود به مکه:

8 و 9 و 10- بیتوته کردن در (ذو طوی)، غسل ورود به مکه، وارد شدن به مکه در روز :

از نافع روایت است : (كان ابن عمر إذا دخل أدنى الحرم أمسك عن التلبیه، ثم بیئت بذی طوی ثم یصلی به اصبح و یغتسل، و یحدث أن النبی ﷺ كان یفعل ذلك)<sup>[873]</sup> «ابن عمر t وقتی به نزدیکترین مکان حرم می‌رسید، از تلبیه خودداری می‌کرد. سپس در ذو طوی بیتوته می‌نمود و نماز صبح را همانجا می‌خواند و غسل می‌کرد و می‌گفت : پیامبر ﷺ این کار را کرده است».

#### 11- ورود به مکه از «ثنیه علیا» :

به دلیل حدیث ابن عمر : (كان رسول الله ﷺ یدخل من الثنیة العلیا، و یدخل من الثنیة السفلی)<sup>[874]</sup> «پیامبر ﷺ از ثنیه علیا وارد و از ثنیه سفلی خارج می‌شد».

#### 12- هنگام ورود به مکه پای راستش را مقدم کند و بگوید :

(أعوذ بالله العظیم، و بوجهه الکریم، و سلطانه القدیم من الشیطان الرجیم، بسم الله، اللهم صل علی محمد و سلم، اللهم افتح لی أبواب رحمتک)<sup>[875]</sup> «پناه می‌برم به خداوند بزرگ و به وجه کریم و سلطان قدیم او از شیطان رانده شده (از رحمت خدا)، به نام خدا، پروردگارا! بر محمد صلوات و سلام بفرست، پروردگارا! درهای رحمتت را بر من بگشای».

### 13- وقتی بیت‌الله را دید در صورت تمایل دستهایش را بلند و در حد امکان دعا کند:

چون این کار از ابن عباس ثابت شده است<sup>[876]</sup>. و اگر دعای زیر را که از عمر ثابت است، بخواند نیز خوب است: (اللهم أنت السلام، و منك السلام، فحینا ربنا بالسلام)<sup>[877]</sup> «خداوندا! تو سلام (پاک از هر عیب و نقصی) هستی و سلامتی از توست، پس ای پروردگاران! ما را با سلامتی زنده نگه دار».

#### فهرست

### ج- سنت های طواف:

#### 14- اضطباع :

اضطباع حالتی است که طواف‌کننده ازارش را از زیر بغل راست رد کرده و طرف دیگر آن را بر شانه چپش قرار دهد به طوری که شانه راستش نمایان بماند :

به دلیل حدیث یعلی بن أمیه : (أن النبی ﷺ طاف مضطباعاً)<sup>[878]</sup> «پیامبر ﷺ به حالت اضطباع طواف کرد».

#### 15- لمس کردن حجر الأسود :

به دلیل حدیث ابن عمر : (رأیت رسول الله ﷺ حین یقدم مكة إذا استلم الركن الأسود أول ما یطوف یخب ثلاثة أطواف من السبع)<sup>[879]</sup> «پیامبر ﷺ را دیدم وقتی که به مکه آمد، بعد از استلام (دست زدن) حجر الأسود، اولین کاری که کرد این بود که، سه طواف از هفت طواف را بصورت شتابان انجام داد».

#### 16- بوسیدن حجر الأسود :

به دلیل حدیث زید بن أسلم از پدرش : (رأیت عمر بن الخطاب قبل الحجر و قال : لو لا أنى رأیت رسول الله قبلک ما قبلتک)<sup>[880]</sup> «عمر بن خطاب را دیدم که حجرالأسود را بوسید و گفت : اگر پیامبر ﷺ را ندیده بودم که تو را می‌بوسد، تو را نمی‌بوسیدم».

#### 17- گذاشتن پیشانی بر حجرالأسود :

به دلیل حدیث ابن عمر : (رأیت عمر بن الخطاب قبل الحجر، و سجد علیه، ثم عاد فقبله و سجد علیه ثم قال : هكذا رأیت رسول الله ﷺ)<sup>[881]</sup> «عمر بن خطاب را دیدم که حجرالأسود را بوسید و پیشانی‌اش را بر آن گذاشت. سپس برگشت و آن را بوسید و پیشانی‌اش را بر آن گذاشت. سپس گفت پیامبر ﷺ را دیدم که این کار را انجام می‌داد».

#### 18- تکبیر در کنار حجرالأسود :

به دلیل حدیث ابن عباس t : (طاف النبی r بالبیت علی بعیره کما أتى الركن أشار إليه بشیء کان عنده و کبر) [882] «پیامبر r سوار بر شتر بیت الله را طواف می کرد. هر وقت به رکن (حجر الأسود) می رسید با چیزی که به همراه داشت به آن اشاره می کرد و تکبیر می گفت».

### 19- دویدن آرام (هروله کردن) در سه دور اول از اولین طواف :

به دلیل حدیث ابن عمر : (أن رسول الله r كان إذا طاف بالبیت الطواف الأول، رمل ثلاثة، و مشى أربعة، من الحجر إلى الحجر) [883] «پیامبر r وقتی که طواف اول را به دور بیت الله انجام می داد سه دور را به صورت هروله و چهار دور دیگر را با حرکت عادی انجام می داد. از حجر الأسود شروع می کرد و به آن پایان می داد».

### 20- لمس کردن رکن یمانی :

به دلیل حدیث ابن عمر : (لم أر النبی r يستلم من البیت إلا الرکنین الیمانیین) [884] «پیامبر r را ندیدم که چیزی از بیت الله را لمس کند مگر دو رکن یمانی».

### 21- بین دو رکن این دعا را بخواند :

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) [885] «پروردگارا در دنیا و آخرت خوبی (حسنه) به ما عطا کن و ما را از عذاب آتش محفوظ بفرما».

### 22- دو رکعت نماز بعد از طواف، پشت مقام :

به دلیل حدیث ابن عمر : (قدم رسول الله r فطاف بالبیت سبعا، ثم صلی خلف المقام رکعتین، و طاف بین الصفا و المروة و قال ( لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ [886] ). «پیامبر r آمد و هفت بار بیت الله را طواف کرد سپس پشت مقام دو رکعت نماز خواند و بین صفا و مروه طواف کرد و فرمود به راستی پیامبر r الگوی خوبی برای شما است».

23- قبل از خواندن نماز، در کنار مقام، آیه ( وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّی ) را تلاوت کند، و در دو رکعت سوره های «الکافرون» و «الإخلاص» را بخواند :

به دلیل حدیث جابر : (أن رسول الله r لما انتهى إلى مقام إبراهيم u قرأ ( وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّی ) ثم صلی رکعتین و کان یقرأ فیهما ( قل هو الله أحد ) و ( قل یا ایها الکافرون ) «وقتی پیامبر r به مقام ابراهیم رسید آیه ( وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّی ) را تلاوت کرد سپس دو رکعت نماز خواند و در آنها ( قل هو الله أحد ) و ( قل یا ایها الکافرون ) را خواند».



24- قرار گرفتن بین حجر الأسود و درب (ورودی) به طوری که سینه و صورت و ساعدهایش را روی حجر الأسود قرار دهد :

به دلیل حدیث عمرو بن شعیب از پدرش از جدش : (طفقت مع عبدالله بن عمرو، فلما فرغنا من السبع ركعنا في دبر الكعبة، فقلت ألا تتعوذ بالله من النار؟ قال أعوذ بالله من النار، قال : ثم مضى فاستلم الركن، ثم قام بين الحجر و الباب، فألصق صدره و يديه و خده إليه، ثم قال : هكذا رأيت رسول الله  $\text{r}$  يفعل) [887] «با عبدالله بن عمرو طواف کردم. وقتی هفت (دور طواف) را تمام کردیم، پشت کعبه نماز خواندیم. به او گفتم آیا به خدا پناه نمی‌بری از آتش؟ گفت پناه می‌برم به خدا از آتش، (عمرو) گوید : سپس رفت و حجر الأسود را لمس کردف سپس بین حجر الأسود و درب ایستاد و سینه و صورت و دستهایش را به آن چسباند. سپس گفت : پیامبر  $\text{r}$  را دیدم که این طور می‌کرد».

## 25- نوشیدن از آب زمزم و شستن سر با آن :

به دلیل حدیث جابر : پیامبر  $\text{r}$  این کار را انجام داده است.

### فهرست

## د- سنت‌های سعی (صفا و مروه):

26- لمس کردن رکن به شیوه‌ای که گفته شد.

27- خواندن آیه.

( إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ [888] )

«بی‌گمان (دو کوه) صفا و مروه از نشانه‌های (دین) خدا و عبادت الله است. پس هر کس حج بیت‌الله یا عمره را به جای آورد بر او گناهی نخواهد بود که آن دو (کوه) را بارها طواف کند، هر که به دلخواه کار نیکی انجام دهد بی‌گمان خدا سپاسگزار و آگاه است».

سپس وقتی که برای سعی به صفا نزدیک شد بگوید (نبدأ بما بدأ الله به) «به آنچه خداوند شروع کرده (صفا) شروع می‌کنیم».

28- روی کوه صفا، رو به قبله ایستادن و گفتن : (الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد و هو على كل شيء قدير. لا إله إلا الله وحده أنجز وعده ونصر عبده و هزم الأحزاب وحده) سپس هر دعایی که خواست بخواند، و این اذکار را سه بار تکرار کند.

29- بین دو علامت سبز با سرعت زیاد حرکت کردن.

30- اعمالی را که روی صفا انجام داده مانند رو کردن به قبله و ذکر و دعا، روی مروه هم انجام دهد.

فهرست

## ه- سنت‌های خروج به طرف منی:

31- بستن احرام حجر از منزل در روز هشتم ذی‌الحجه. (\*) [889]

32- روز هشتم ذی‌الحجه نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را در منی بخواند و تا ادای نماز صبح و طلوع خورشید در آنجا بماند.

33- روز عرفه نماز ظهر و عصر را در نمره (به شکل) قصر و جمع بخواند.

34- قبل از غروب خورشید از عرفه خارج نشود.

فهرست

## ارکان حج:

### 1- نیت:

به دلیل فرموده خداوند متعال:

( وَ مَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ ) (بینه : 5)

«در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حق‌گرایانه خدای را عبادت کنند و تنها شریعت او را آیین (خود) بدانند».

و پیامبر r فرمود : (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ) [890] «قبول و صحت اعمال به نیت بستگی دارد».

### 2- وقوف در عرفه :

به دلیل فرموده پیامبر r : (الحج عرفة) [891] «حج، عرفه است». و به دلیل حدیث عروه طایی که گوید : در مزدلفه هنگامی که پیامبر r برای ادای نماز خارج شد نزد ایشان آمدم، گفتم ای رسول خدا من از دو کوه طی (سلمی و إجا) آمده‌ام شترم را ناتوان و خودم ارا خسته کرده‌ام. به خدا قسم هیچ کوهی را پشت سر نگذاشته‌ام مگر اینکه بر آن توقف کرده‌ام، آیا حج من صحیح است؟ پیامبر r فرمود : (من شهد صلاتنا هذه، ووقف معنا حتی

ندفع، و قد وقف قبل ذلك بعرفة ليلا أو نهارا فقد تم حجه و قضى تفته<sup>[892]</sup>» کسی که با ما در این نماز (صبح در مزدلفه) حاضر شود و تا وقتی که حرکت کنیم توقف کند و قبل از آن در عرفه چه شب یا روز توقف کرده باشد، حجه کامل و مناسکش را انجام داده است.»

### 3- بیتوته کردن در مزدلفه تا طلوع فجر و خواندن نماز صبح در آنجا :

به دلیل فرموده پیامبر<sup>r</sup> به عروه در حدیث قبل : (من شهد صلاتنا هذه، و وقف معنا حتى ندفع، و قد وقف قبل ذلك بعرفة ليلا أو نهارا، فقد تم حجه و قضى تفته).<sup>[893]</sup>

### 4- طواف إفاضة :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ) (حج : 29)

«و خانه قدیمی (بیت‌الله) را طواف کنند.»

و عایشه (رض) روایت است : (حاضت صفيه بنت حبي بعد ما أفاضت، قالت : فذكرت ذلك لرسول الله<sup>r</sup>، فقال : أحابستنا هي؟ قلت : يا رسول الله، إنها قد أفاضت، و طافت بالبيت. ثم حاضت بعد الإفاضة. قال : فلتنفر إن<sup>[894]</sup>) «صفيه بنت حبي بعد از طواف افاضه عادت ماهیانه شد، (عائشه) گوید : پیامبر<sup>r</sup> را در جریان گذاشتم، فرمود : آیا او نگهدارنده‌ی ما (از برگشتن به مدینه) است؟ گفتم ای رسول خدا او (طواف) افاضه را انجام داده و بعد از آن قاعده شده است، پیامبر<sup>r</sup> فرمود : در این صورت (از منی به طرف مدینه) خارج شود.»

بنابراین، فرموده پیامبر<sup>r</sup> «آیا او نگهدارنده‌ی ما است» دلالت می‌کند بر اینکه این طواف واجب است، و آن (طواف افاضه) نگهدارنده و حبس کننده کسی است که آن را انجام نداده تا آن را انجام دهد.

### 5- سعی بین صفا و مروه :

به دلیل سعی پیامبر<sup>r</sup> و نیز فرموده او : (اسعوا فإن الله كتب عليكم السعي)<sup>[895]</sup> «سعی (بین صفا و مروه) کنید چون خداوند سعی را بر شما واجب کرده است.»

فهرست

## واجبات حج:

### 1- بستن احرام از مقیات :

به طوری که لباس هایش را در آورد و لباس احرام بپوشد آنگاه نیت کند و بگوید : **(لبیک اللهم بعمره أو لبیک اللهم حجة و عمرة)** «خداوندا فرمان تو را برای انجام عمره لبیک می گویم یا بگوید : خداوندا فرمان تو را برای انجام حج و عمره لبیک می گویم».

## 2- بیتوته کردن و ماندن در منی شب های تشریق :

چون پیامبر r در آنجا بیتوته کرد : **(رخص لرعاء الإبل فی البیتوته، یرمون یوم النحر، ثم یرمون الغد و من بعد الغد بیومین و یرمون یوم النفر)**<sup>[896]</sup> «(پیامبر) به شتربانان اجازه داد که می توانند شب در منی نمانند، و روز قربانی و دو روز بعد از آن و روز رفتن از منی به جمرات سنگ پرتاب کنند».

بنابراین اجازه دادن پیامبر r به شتربانان دلیلی بر وجوب ماندن دیگران در منی است.

## 3- پرتاب سنگ به طور مرتب :

به این صورت که روز عید قربان (قبل از زوال)، جمره عقبه را با هفت سنگ کوچک بزند و در ایام تشریق (سه روز بعد از قربانی) به طرف هر سه جمره سنگ پرتاب کند، هر روز بعد از زوال آفتاب (مایل شدن آب به طرف مغرب)، هر جمره را با هفت سنگ کوچک هدف قرار دهد، از جمره اول شروع کند، سپس جمره وسطی و در نهایت جمره عقبه را بزند.

## 4- طواف وداع :

به دلیل حدیث ابن عباس : **(أمر الناس أن یکون آخر عهدهم بالبیت، إلا أنه خفف عن المرأة الخائض)**<sup>[897]</sup> «به مردم امر شده که پایان مناسکشان طواف بیت الله باشد، ولی از زن حائض تخفیف داده شد، (می تواند طواف وداع را انجام ندهد)».

## 5- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر :

تراشیدن و کوتاه کردن موی سر از کتاب و سنت و اجماع ثابت شده است : خداوند متعال می فرماید :

**( لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ ) (فتح : 27)**

«خداوند خواب را راست و درست به پیامبر خود نشان داده است. به خواست خدا همه شما در امن و امان و سر تراشیده و مو کوتاه کرده و بدون ترس داخل مسجدالحرام خواهید شد».

از عبدالله بن عمر روایت است که پیامبر r فرمود: **(اللهم ارحم المحلقين، قالوا : والمقصرين يا رسول الله؟ قال : اللهم ارحم المحلقين، قالوا : والمقصرين يا رسول الله؟ قال : اللهم ارحم المحلقين، قالوا : والمقصرين)** «خداوندا به کسانی که سرشان را می تراشند رحم کن، گفتند ای رسول خدا کسانی که موی سرشان را کوتاه می کنند چی؟ فرمود : خداوندا به کسانی که سرشان را می تراشند رحم کن، گفتند ای رسول خدا کسانی که موی رشان را کوتاه می کنند چی؟ فرمود : خداوندا به کسانی که سرشان را می تراشند رحم کن، گفتند ای رسول خدا کسانی که موی سرشان را کوتاه می کنند چی؟ فرمود : خداوندا به کسانی که موی سرشان را کوتاه می کنند رحم کن».

جمهور فقهاء در حکم تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر اختلاف نظر دارند. اکثرشان بر این عقیده اند که تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر واجب است و انجام ندادن آن با ذبح حیوان (دم) جبران می شود ولی پیروان مذهب شافعی بر این عقیده اند که آن رکنی از ارکان حج است. سبب اختلاف آنها نبودن دلیل بر یکی از این دو حکم است همانطوریکه شیخ البانی - خدا حفظش کند (\*) - (به من) گفته است.

## فهرست

شروط طواف [898]:

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود: **(الطواف حول البيت مثل الصلاة إلا أنكم تتكلمون فيه، فمن تكلم فيه فلا تكلم إلا بخير)** [899] «طواف به دور بیت الله مانند نماز است با این تفاوت که می توانید در طواف صحبت کنید پس هر کس هنگام طواف صحبت کرد، به جز خیر، چیزی نگوید».

لذا از آن جاییکه طواف به منزله نماز است، باید دارای شروط زیر باشد :

1- **پاکی از دو حدث اکبر و اصغر** به دلیل فرموده پیامبر r: **(لا يقبل الله صلاة بغير طهور)** [900] «خداوند هیچ نمازی را بدون وضو قبول نمی کند».

و به دلیل فرموده پیامبر r به عایشه هنگامی که در ایام حج، قاعده شده بود: **(افعلی ما يفعل الحاج، غیر أن لا تطوفی بالبيت حتى تغتسلی)** [901] «هر کاری که حاجی انجام می دهد تو هم انجام بده با این تفاوت که تا غسل (حیض) نکرده ای بیت الله را طواف نکن».

2- **پوشاندن عورت :**

به دلیل فرموده خداوند متعال :

**( يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ) (أعراف : 31)**

«ای بنی آدم هنگام نماز خود را (با لباس مادی که عورت شما را بیوشاند و با لباس معنوی که تقوی نام دارد) بیوشانید».

و به دلیل حدیث ابوهریره : قبل از حجة الوداع در حجی که پیامبر r ابوبکر را به عنوان سرپرست حجاج تعیین کرده بود، در روز عید قربان (ابوبکر) مرا با گروهی فرستاد تا در میان مردم اعلام کنیم که : (أَلَا يَحِجُّ بَعْدَ الْعَامِ مُشْرِكًا، وَ لَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ عَرِيَانًا) [1902] «از امسال به بعد هیچ مشرکی حج نگذارد و هیچ عریانی بیت الله را طواف نکند».

### 3- هفت دور کامل باشد :

چون پیامبر r هفت دور طواف کرده است، همانطور که ابن عمر (رض) گوید : (قدم رسول الله r فطاف بالبيت سبعا و صلى خلف المقام ركعتين، و بين الصفا و المروة سبعا، و لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة) «پیامبر آمد و هفت دور بیت الله را طواف کرد و پشت مقام دو رکعت نماز خواند و هفت بار سعی بین صفا و مروه را انجام داد. به راستی رسول الله r الگوی خوبی برای شما است». لذا انجام این اعمال توسط پیامبر r مراد این فرموده خداوند را روشن می کند : ( وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ) «و خانه قدیمی (بیت الله) را طواف کند». پس اگر چیزی از هفت دور طواف را ترک کرد ولو اینکه اندک باشد طوافش جایز نیست، و اگر در تعداد دفعات طواف دچار شک شد، باید حداقل را مبنی قرار دهد تا یقین پیدا کند.

4 و 5- طواف را از حجر الأسود شروع، و به آن پایان دهد و بیت الله را در سمت چپ خود قرار دهد :

به دلیل گفته جابر t : (لما قدم رسول الله r مكة أتى الحجر الأسود فاستلمه ثم مشى عن يمينه، فرمل ثلاثا و مشى أربعا) «وقتی پیامبر r به مکه وارد شد به طرف حجر الأسود آمد و آن را لمس کرد. سپس از سمت راست آن حرکت کرد، سه دور را با سرعت و چهار دور را آهسته طی کرد».

اگر کسی در حالی طواف کرد که بیت الله را در سمت راستش قرار داد، طوافش صحیح نیست.

### 6- طواف باید در قسمت خارجی بیت الله باشد :

به دلیل فرموده خداوند متعال : ( وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ) «و خانه قدیمی (بیت الله) را طواف کنید» و این ایجاب می کند که تمام خانه طواف شود و اگر کسی در حجر (اسماعیل) طواف کند، طوافش صحیح نیست؛ چون پیامبر r فرموده است : (الحجر من البيت) «حجر جزو بیت است».

### 7- موالات (انجام دورهای طواف پشت سر هم) :

چون پیامبر r به این صورت (موالات) طواف کرده و فرموده است: **(خذوا عنی مناسککم)** «مناسکتان را از من یاد بگیرید».

اگر کسی طوافش را قطع کرد تا وضو بگیرد یا نمازی را که برگزار شده بخواند و یا کمی استراحت کند، طوافی را که انجام داده بحساب آورد و بقیه طواف را انجام دهد. ولی اگر قطع طواف، زیاد طول بکشد، باید آن را از اول شروع کند.

فهرست

## شروط سعی:

**صحت سعی مشروط به موارد زیر است:**

1- بعد از طواف باشد.

2- هفت بار مسیر را طی کند.

3- از صفا شروع و به مروه پایان دهد.

4- سعی را در محل سعی (که راه ممتد بین صفا و مروه است) انجام دهد.

به دلیل این که پیامبر r این طور سعی کرده و فرموده است: **(خذوا عنی مناسککم)** «مناسکتان را از من (یاد) بگیرید».

فهرست

## محرمات احرام:

1- پوشیدن لباس دوخته شده:

به دلیل حدیث ابن عمر: **(أن رجلاً قال: يا رسول الله، ما يلبس المحرم من الثياب؟ قال رسول الله r: لا يلبس القمص و لا العمام و لا السراويلات و لا البرانس و لا الخفاف، إلا أحد لا يجد تغلین فلیلبس خفین و ليقطعهما أسفل من الكعبین و لاتلبسوا من الثياب شیئا مسه زعفران أو ورس)** [903] «مردی از پیامبر r سؤال کرد و گفت: شخص محرم باید چه لباسی را بپوشد؟ پیامبر r فرمود: نباید پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه و خف را بپوشد، مگر کسی که دمپایی در دسترس ندارد که می‌تواند خف بپوشد و باید دو طرف آنها را تا پایین‌تر از قوزکها ببرد (\*). همچنین نباید لباسی که به زعفران و ورس (گیاهی زردرنگ و خوشبو) آغشته است، بپوشد».

به شخصی که می‌خواهد احرام بپوشد و غیر از شلوار و خف در دسترس نداشته باشد، اجازه داده شده که بدون بریدن، آنها را بپوشد: به دلیل حدیث ابن عباس که گفت: **(سمعت**

النبي ﷺ يخطب بعرفات؛ من لم يجد النعلين فليلبس الخفين، ومن لم يجد إزارا فليلبس سراويل للمحرم» [904] «پیامبر ﷺ در عرفات خطبه ایراد کرد. شنیدم که فرمود: شخص محرم اگر دمپایی نداشته باشد می‌تواند خف به پا کند و اگر إزار نداشته باشد می‌تواند شلوار بپوشد».

## 2- پوشاندن صورت و دست‌ها برای زن :

به دلیل حدیث ابن عمر که گفت: پیامبر ﷺ فرمود: (لا تنقب المرأة المحرمة ولا تلبس القفازين) [905] «زنی که در احرام است نه نقاب بزند و نه دستکش به دست کند».

ولی در حالت عبور مردان نامحرم از کنار او، می‌تواند صورتش را بپوشاند: به دلیل حدیث هشام بن عروه از فاطمه بنت منذر که گفت: (كنا نخمر وجوهنا، ونحن محرمات، ونحن مع أسماء بنت أبي بكر الصديق) [906] «در حلی که با اسماء دختر ابوبکر صدیق در احرام بودیم، صورت‌هایمان را می‌پوشاندیم».

## 3- پوشاندن مرد سرش را با عمامه یا مانند آن :

به دلیل فرموده پیامبر ﷺ در حدیث ابن عمر: (لا يلبس القمص ولا العمائم) [907] «نه پیراهن بپوشد و نه عمامه».

جایز است که با چادر و مانند آن سایبانی برای خود تهیه کند: به دلیل حدیثی که از جابر نقل شد: (أن النبي ﷺ أمر بقبة من شعر فضربت له بنمرة فنزل بها) «پیامبر ﷺ دستور داد تا خیمه‌ای از مو برایش برپا کنند، خیمه را در نمره برایش زدند و در آنجا مستقر شد».

## 4- استعمال بوی خوش :

به دلیل فرموده پیامبر ﷺ در حدیث ابن عمر: (ولاتلبسوا من الثياب شيئا مسه زعفران أو ورس) [908] «و لباس آغشته به زعفران و ورس را نباید بپوشد».

و به دلیل فرموده پیامبر ﷺ درباره شخصی که در حال احرام، از شترش افتاد و گردنش شکست و مرد: (لاتحنطوه، و لاتخمروا رأسه، فإنه يبعث يوم القيامة ملبيا) [909] «بوی خوش به او نزنید و سرش را نپوشانید چوناو در روز قیامت لبیک‌گویان مبعوث می‌شود».

## 5 و 6- گرفتن ناخن، کندن یا تراشیدن یا کوتاه کردن مو :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَلَا تَحْلِفُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ) (بقره : 196)

«و سرهای خود را نتراشید تا هدی به قربانگاه خود برسد».



علماء بر حرمت کوتاه کردن ناخن برای محرم اجماع کرده‌اند.<sup>[910]</sup>

کسی که مو او را اذیت می‌کند، می‌تواند مویش را کوتاه کند ولی باید فدیهِ بدهد :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

( **فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ** ) (بقره : 196)

«و اگر کسی از شما بیمار شد یا ناراحتی در سر داشت (به سبب زخم یا سردرد و بیماری‌های دیگر و ناچار شد موی سرش را بتراشد باید که) فدیهِ بدهد از قبیل (سه روز) روزه یا صدقه و یا حیوان (که بایدذبح شود و در میان فقراء تقسیم شود)».

از کعب بن عجره روایت است : (أن النبي r مر به و هو بالحديبية قبل أن يدخل مكة و هو محرم، و هو يوقد تحت قدر، والقمل يتهافت على وجهه، فقال : أيوذيك هوامك هذه؟ قال نعم. قال : فاحلق رأسك، و أطعم فرقا بين ستة مساكين و الفرق ثلاثة أصع، أو صم ثلاثة أيام، أو انسك نسيسة)<sup>[911]</sup> «درحالی که قبل از ورود به مکه، به صورت محرم در حدیبه، مشغول افروختن آتش زیر دیگ بودم، شپش‌ها روی سر و صورتم جمع شده بودند، پیامبر r از کنار من رد شد و فرمود : ایا این حشره‌ها اذیتت می‌کنند؟ گفتم : بله، پیامبر r فرمود : پس سرت را بتراش و غذایی به اندازه سه صاع را بین شش مسکین تقسیم کن یا سه روز روزه بگیر یا حیوان را ذبح کن».

7- جماع و مقدمات آن.

8- ارتکاب معاصی.

9- درگیری و جدال.

دلیل بر حرمت این سه مورد فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید :

( **الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ، فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ** ) (بقره : 197)

«حج در ماههای معینی انجام می‌پذیرد. پس هر کسی که (در این ماهها با احرام یا تلبیه یا سوق دادن هدی و شروع مناسک دیگر حج) حج را بر خود واجب کرده باشد (و حج را آغاز نموده باشد باید آداب آن را مراعات کند و توجه داشته باشد که) در حج نزدیکی با زنان و گناه و جدالی نیست».

10 و 11- خواستگاری و عقد نکاح :

به دلیل حدیث عثمان از پیامبر r که فرمود: **(لاینکح المحرم ولاینکح و لایخطب)** [912] «شخص محرم نکاح نمی‌کند و نکاح نمی‌شود و خواستگاری نمی‌کند.

12- **مبادرت ورزیدن به شکار در خشکی با کشتن یا سربریدن یا اشاره و راهنمایی کردن (کسی که قصد صید دارد):**

به دلیل فرموده خداوند متعال:

**( وَ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا ) (مائده: 96)**

«و مادامی که در حال احرام هستید شکار حیوانات خشکی (یعنی حیوانی که در بیابان‌ها و دشت‌ها و کوه‌ها زندگی می‌کند و معمولاً اهلی نمی‌گردد) برای شما حرام است».

و به دلیل اینکه وقتی تعدادی از اصحاب که در احرام بودند، درباره گور خر ماده‌ای که ابوقتاده در حال احلال (غیرمحرم) صید کرده بود، از پیامبر r سؤال کردند، به آنان فرمود: **(أمنکم أحد أمره أن یحمل علیها، أو أشار إلیها؟ قالوا : لا، قال : فکلوا)** [913] «آیا از میان شما کسی او را دستور حمله به آن داده و یا به آن اشاره‌ای کرده است؟ گفتند خیر، فرمود پس (از گوشت آن) بخورید».

13- **خوردن از گوشت شکاری که برای شخص محرم یا به اشاره و یا به کمک او، صید شده باشد:**

به دلیل فرموده پیامبر r: **(أمنکم أحد أمره أن یحمل علیها، أو أشار إلیها؟ قالوا : لا، قال : فکلوا)** [914]. «آیا از میان شما کسی او را دستور حمله به آن داده و یا به آن اشاره‌ای کرده است؟ گفتند: خیر، فرمود پس (از گوشت آن) بخورید».

فهرست

[مبطلات حج\(\\*\)](#):

حج با انجام یکی از دو عمل زیر باطل می‌شود:

1- **جماع**، قبل از رمی جمره عقبه. اما اگر بعد از آن و قبل از طواف افاضه باشد، حج باطل نمی‌گردد اگرچه گناهکار می‌شود.

بعضی از علماء بر این عقیده‌اند که حج با جماع باطل نمی‌شود؛ چون دلیل صریحی در این باره وجود ندارد.

2- **ترک کردن یکی از ارکان حج:**

چنانچه با انجام یکی از این دو مورد حج شخص باطل شد، در اینصورت بر او واجب است که در سال آینده، در صورت داشتن استطاعتی که قبلاً آن را بیان کردیم مناسک حج را انجام دهد. در غیر این صورت تا وقتی که توانایی نداشته باشد حج بر او واجب نیست، چون حج وقتی واجب می‌شود که توانایی حاصل شود.

## فهرست

### اعمالی که در حرمین حرام است (\*\*):

در صحیح بخاری و مسلم و غیره از حدیث عباد بن تمیم از عمویش روایت است که پیامبر<sup>۲</sup> فرمود: (إن إبراهيم حرم مكة و دعا لها، و إني حرمت المدينة كما حرم إبراهيم مكة). «ابراهیم مکه را حرام کرد و برای آن دعا کرد و من هم مدینه را حرام کردم همانطور که ابراهیم مکه را حرام کرد».

پس تحریم آن دو (مکه و مدینه) از طریق وحی خداوند متعال، برای دو رسول بزرگوارش صلوات الله و سلامه علیهما بوده است. وقتی که گفته می‌شود حرمین، منظور مکه و مدینه است و اطلاق لفظ حرم شرعاً بر غیر آن دو، جایز نیست؛ پس بکار بردن لفظ حرم شرعاً برای مسجدالأقصی و یا مسجد ابراهیم خلیل جایز نیست. چون وحی فقط مکه و مدینه را حرم نامیده و این تشریحی است که عقل بشر را در آن راهی نیست.

در سرزمین حرمین اعمالی ممنوع است و انجام آنها برای کسی که در آنجا زندگی می‌کند یا به عنوان زائر حج یا عمره یا غیره به آنجا می‌رود، جایز نمی‌باشد، این اعمال عبارتند از:

1- شکار حیوان و پرند و راندن آنان و یاری کردن دیگران برای صید آنها.

2- بریدن گیاهان و خارها مگر به اندازه‌ای که ضرورت و نیاز ایجاب کند.

3- حمل اسلحه.

4- برداشتن گمشده در حرم مکه برای زائرین، اما کسی که مقیم مکه است باید آنرا بردارد و صاحبش را پیدا کند، فرق بین حاجی و مقیم در این مورد واضح است - آه -

می‌گوییم: دلیل حرمت این اعمال فرموده پیامبر<sup>۲</sup> در روز فتح مکه است:

(إن هذا البلد حرمة الله يوم خلق السماوات و الأرض، فهو حرام بحرمة الله إلى يوم القيامة، و إنه لم يحل القتال فيه لأحد قبلي، و لم يحل لي إلا ساعة من نهار. فهو حرام بحرمة الله إلى يوم القيامة، لا يعضد شوكة، ولا ينفر صيده، و لا يلتقط لقطته إلا من عرفها، و لا يختلي خلاها فقال العباس: يا رسول الله، إلا الإذخر، فإنه لقينهم و بيوتهم، فقال: إلا الإذخر)<sup>[915]</sup> «این سرزمین (مکه) را خداوند از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید،

حرام کرده است. لذا به حکم خداوند تا روز قیامت حرام است و جنگ و خونریزی در آن برای هیچ کسی قبل از من حلال نشده است، و برای من نیز حلال نشده مگر مدت زمانی از روز (جهت بیرون کردن کافران از مکه) بنابراین با حرام قرار دادن خداوند تا روز قیامت حرام است، نباید خار آن کنده و صید آن رانده شود و در آنجا نباید چیز گمشده، برداشته شود، مگر بوسیله کسی که آنرا معرفی (اعلام) کند، و گیاه تر آن کنده نشود» عباس گفت: ای رسول خدا! مگر «إذخر» (گیاه خوشبو) برای ساخت و ساز و استفاده در خانه‌هایشان، فرمود: «غیر از إذخر».

از جابر روایت است: از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود: **(لَا يَحِلُّ لِأَحَدِكُمْ أَنْ يَحْمِلَ بِمَكَّةَ السِّلَاحَ)**<sup>[916]</sup> «برای هیچ کدام از شما حلال نیست که در مکه سلاح حمل کند».

از علی t روایت است که پیامبر r درباره مدینه فرمود:

**(لَا يَحْتَلِي خَلَاهَا، وَلَا يَنْفِرُ صَيْدَهَا، وَلَا تَلْتَقِطُ إِلَّا لِمَنْ أَشَادِبَهَا (أَنْشَدَهَا)، وَلَا يَصْلِحُ لِرَجُلٍ أَنْ يَحْمِلَ فِيهَا السِّلَاحَ لِقِتَالٍ، وَلَا يَصْلِحُ أَنْ يَقْطَعَ مِنْهَا شَجْرَةً إِلَّا أَنْ يَعْلِفَ رَجُلٌ بَعِيرَهُ)**<sup>[917]</sup> «گیاه تر آن کنده نشود و صید آن رانده نشود و چیز گمشده در آن برداشته نشود مگر کسی که آن را معرفی کند (و به دنبال پیدا کردن صاحب آن باشد). هیچ کسی نباید در آن برای جنگ، سلاح بردارد و یا درختی را از آن قطع کند مگر شخصی به اندازه علف شترش».

شیخ شقره گوید:

«هر کس یکی از این ممنوعات را انجام دهد گناهکار شده و باید توبه و استغفار کند، غیر از شکار کردن که شخص محرم باید در مقابل آن علاوه بر توبه و استغفار حیوانی رانیز ذبح کند».

فهرست

## فدیه کشتن نخجیر:

خداوند متعال می‌فرماید:

**(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِأَلْفِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ) (مائده: 95)**

«ای مؤمنان هنگامی که در حال احرام هستید (یا اینکه در سرزمین حرم به سر می‌برید) نخجیر (صید) نکشید. و هر کس از شما عمداً نخجیر بکشد باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان (اهلی مانند: بز و گوسفند و شتر و گاو) بدهد، کفاره‌ای که دو نفر عادل از میان خودتان به معادل بودن آن قضاوت کنند و

برابری آن را تصدیق نمایند، چنین حیوانی قربانی می‌گردد و به مستمندان مکه داده می‌شود، یا کفاره‌ای (معادل قیمت آن حیوان) خوراک (یک روز به هر یک از) فقرا می‌دهد، و یا برابر آن (خوراک به عبارت دیگر به تعداد مستمندان دریافت کننده کفاره روزهایی) روزه می‌گیرد، تا متجاوز کیفر کار خود را بچشد. خداوند از آنچه در گذشته (پیش از تحریم شکار) انجام پذیرفته است گذشت می‌نماید. ولی هر کس (به کشتن نخجیر) دوباره برگردد (و بعد از آگاهی از تحریم، باز به شکار بپردازد) خداوند از او انتقام می‌گیرد و خداوند توانا و انتقام‌گیرنده است.»

ابن کثیر (ره) در تفسیرش (2/98) می‌گوید :

خداوند در این آیه کشتن صید و گرفتن آن را در حال احرام حرام کرده است.

این تحریم از جهت معنی، حیوانات حلال گوشت را شامل می‌شود اگرچه از اهلی یا وحشی متولد شود و اما حیوان حرام گوشتی که در خشکی زندگی می‌کند به نظر شافعی جایز است محرم آن را بکشد ولی جمهور علماء معتقد به تحریم قتل آن هستند. و از این قاعده چیزی استثناء نمی‌شود مگر حدیثی که در صحیحین از طریق زهری از عروه از عایشه ام‌المؤمنین ثابت شده است که :

پیامبر فرمود : **(خمس فواسق یقتلن فی الحل و الحرام : الغراب، والحدأة، و العقرب و الفأرة، والکلب العقور)** [918] «پنج نوع حیوان هستند که حکم آنها از سایر حیوانات جدا است و در حرم و خارج آن کشته می‌شوند : کلاغ، حدأة (زغن : نوعی پرنده شکاری)، عقرب، موش و حیوان درنده(\*)».

ابن کثیر گوید :

جمهور فقهاء بر این عقیده‌اند که کشتن صید در حرم مکه، عمدی باشد یا غیر عمدی موجب کفاره می‌شود. زهری گوید : قرآن بر مجازات قاتل عمد صید و سنت بر مجازات قاتل غیر عمد دلالت می‌کند، و این بدین معنی است که قرآن بر وجوب کفاره بر متعمد (کسی که عمداً صید کرده باشد) و گناهکار بودن او دلالت می‌کند و می‌فرماید : **(لَيَذُوقَ وَ بَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ، وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ )** «تا متجاوز کیفر خود را بچشد خداوند از آنچه که در گذشته (پیش از تحریم شکار) انجام پذیرفته است گذشت می‌نماید ولی هر کس (به کشتن نخجیر) دوباره برگردد (و بعد از آگاهی از تحریم باز به شکار برگردد) خداوند از او انتقام می‌گیرد همانطور که قرآن بر وجوب کفاره در قتل عمد صید دلالت می‌کند» احادیث ثابت شده از پیامبر و اصحابش بر وجوب کفاره در قتل غیر عمد صید، نیز دلالت دارد. همچنین قتل صید اتلاف است و اتلاف چه عمد باشد و چه غیر عمد مضمون است با این تفاوت که اگر از روی عمد، صید را کشته باشد گناهکار است و لی اگر از روی اشتباه آن را کشته باشد گناهی بر او نیست.

زهری گوید : آیه : ( فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ ) دلالت می‌کند بر صحت گفته مالک و شافعی و احمد و جمهور که می‌گویند اگر محرم نخجیری را کشت که نظیر آن وجود داشت، واجب است در جزای آن، حیوانی اهلی مانند آن را به عنوان کفاره بدهد. اما اگر نظیر حیوان صید شده، یافت نشد، ابن عباس گوید که باید قیمت آن برای مساکین مکه برده شود. این گفته را بیهقی روایت کرده است».<sup>[919]</sup>

### نمونه های قضاوت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب در مورد کفاره قتل حیوانات (نظیردار) در حرم:

از جابر روایت است : از پیامبر r درباره کفتار سؤال کردم فرمود :

(هو صید، و يجعل فيه كبش، إذا صاده المحرم)<sup>(\*)</sup> «کفتار صید است و اگر محرمی آن را صید کرد، باید گوسفندی دوساله را فدیة بدهد».

از جابر روایت است : (أن عمر بن الخطاب قضی فی الضبع بکبش، و فی الغزال بعنز، و فی الأرنب بعناق، و فی الیربوع بجفرة)<sup>[920]</sup> «عمر بن خطاب کفاره کشتن کفتار را یک گوسفند دوساله، و کفاره (کشتن) آهو را یک بز، و کفاره خرگوش را یک بزغاله یکساله، و کفاره یربوع (حیوانی شبیه موش که دست‌های کوتاه و پاهای بلند دارد) را یک بزغاله چهارماهه حکم کرد».

از ابن عباس روایت است : (أنه جعل فی حمام الحرم علی المحرم و الحلال فی کل حمامة شاة)<sup>[921]</sup> «او فدیة کشتن کبوترهای حرم را برای محرم و غیرمحرم به ازای هر کبوتر، یک گوسفند (بز) قرار داد».

ابن کثیر در (2/100) گوید :

«آیه : ( هَدِيًّا بِالْعَبَةِ ) یعنی هدیی که به کعبه برسد و منظور از آن اینست که هدی به حرم مکه فرستاده شود تا در آنجا ذبح گردد و گوشت آن بر مساکین حرم تقسیم شود و بر این کار با این روش همه اتفاق نظر دارند».

و آیه ( أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامٌ مَسَاكِينَ أَوْ عَدَلٌ ذَلِكَ صِيَامًا ) به این معنی است که اگر مُحَرَّم همانند حیوانی که کشته است را نیافت یا حیوان صید شده از حیوانات نظیردار نبود در این صورت شخص بین فدیة و طعام دادن و روزه گرفتن مختار است، چراکه «أو» برای تخییر است. چگونگی فدیة (غیر از ذبح حیوان) به این صورت است که نخست قیمت حیوان صید شده یا مثل آن رامشخص کند، سپس به اندازه آن غذایی بخرد و به عنوان صدقه به هر مسکینی یک مد از آن را بدهد. و اگر نتوانست قیمت آن را بپردازد اختیار دارد که به جای طعام دادن هر مسکین، یک روز روزه بگیرد».

## کفارہ جماع در حج:

کسی که قبل از تحلل اول، جماع کند همانطور که گفته شد حجتش باطل شده و بر او واجب است که شتری دو ساله را ذبح کند. ولی اگر بعد از تحلل اول و قبل از تحلل دوم جماع کرد، باید یک گوسفند را ذبح نماید و حجتش باطل نمی‌شود. <sup>[922]</sup>

از ابن عباس روایت است: (أنه سئل عن رجل وقع على أهله و هو محرم، و هو بمنى قبل أن يفيض فأمره أن ينحر بدنة\*) «از او درباره مرد محرمی که در منی، قبل از طواف افاضه با همسرش جماع کرده بود، سؤال شد، به او دستور داد شتری دو ساله را ذبح کند». از عمرو بن شعيب از پدرش روایت است: (أن رجلا أتى عبدالله بن عمرو يسأله عن محرم وقع بامرأة، فأشار إلى عبدالله بن عمر، فقال: اذهب إلى ذلك فسله، قال: فلم يعرفه الرجل، فذهبت معه، فسأل ابن عمر، فقال بطل حجك، فقال الرجل: فما أصنع؟ قال: أخرج مع الناس، واصنع ما يصنعون، فإذا أدركت قابلا فحج واهد. فرجع إلى عبدالله بن عمرو، و أنا معه، فأخبره، فقال: اذهب إلى ابن عباس فسله. قال شعيب: فذهبت معه إلى ابن عباس فسأله، فقال له كما قال ابن عمر، فرجع إلى عبدالله بن عمرو، و أنا معه، فأخبره بما قال ابن عباس، ثم قال: ما تقول أنت؟ فقال: قولی مثل ما قال <sup>[923]</sup> «مردی نزد عبدالله بن عمرو آمد تا درباره محرمی که با همسرش جماع کرده بود، سؤال کند. (عبدالله بن عمرو) به عبدالله بن عمر اشاره کرد و گفت: نزد آن شخص برو و از او سؤال کن، (پدرم) گفت: آن مرد عبدالله بن عمر را نشناخت، با او رفتم و سؤال را از ابن عمر پرسید، ابن عمر در پاسخ او گفت: حجت باطل است، مرد گفت چکار کنم؟ (ابن عمر) گفت: با مردم برو و هر کاری که آنها انجام می‌دهند تو نیز انجام بده و اگر تا سال آینده زنده ماندی (دوباره) حج کن و هدی بده. با آن مرد نزد عبدالله بن عمرو برگشتیم، جریان را برای او تعریف کرد (عبدالله بن عمرو) گفت: نزد ابن عباس برو و از او سؤال کن، شعيب گفت با او نزد ابن عباس رفتیم و سؤال را از او پرسید او همجوابی مانند جواب ابن عمر به او داد. پس با آن مرد نزد عبدالله بن عمرو برگشتیم و آنچه که ابن عباس به او گفته بود برایش تعریف کرد سپس گفت: توجه نظری داری؟ گفت نظر من هم مانند نظر آن دو (ابن عمر ابن عباس) است».

از سعید بن جبیر روایت است: (أن رجلا أهل هو و امرأته جميعا بعمره، فقضت مناسكها إلا التقصير، فغشيها قبل أن تقصر، فسأل ابن عباس عن ذلك، فقال: إنها لشبقة، فقيل له: إنها تسمع، فأسحيا من ذلك و قال: ألا أعلمتموني؟ و قال لها: أهریقی دما. قالت: ماذا؟ قال: انحري ناقة أو بقرة أو شاة. قالت: أي ذلك أفضل: قال: ناقة <sup>[924]</sup> «مردی به همراه همسرش نیت عمره را آوردند و به عمره تلبیه گفتند. آن زن تمام اعمال حج بجز کوتاه کردن مو را انجام داد و قبل از آنکه مویش را کوتاه کند همسرش با او جماع کرد. (مرد) در این باره از ابن عباس سؤال کرد، ابن عباس در پاسخ گفت: آن زن دارای شهوت زیادی است. به او (ابن عباس) گفته شد: او این سخن را می‌شنود، ابن عباس از گفته خود شرم کرد و گفت چرا مرا آگاه نکردی که او این سخنان را می‌شنود،

سپس به او (آن زن) گفت که حیوانی را ذبح کند، زن گفت : چه حیوانی؟ گفت : شتر، یا گاو یا گوسفند (با بز)ی را ذبح کن. گفت کدامشان بهتر است؟ ابن عباس گفت شتر».

اگر کسی توانایی ذبح شتر یا گوسفند (یا بز) را نداشته باشد، باید سه روز در حج و هفت روز بعد از بازگشت روزه بگیرد :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

**( فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ )** (بقره : 196)

«پس کسی که از عمره بهره‌مند گردد سپس حج را آغاز کند، آنچه از هدیه میسر شد (ذبح می‌کند و به فقرا می‌دهد). و کسی که (هدیه یا بهای آن را) نیابد سه روز (در ایام) حج و هفت روز هنگامی که بازگشت (به خانه و کاشانه خود) باید روزه بگیرد».

بهتر آن است که این سه روز را قبل از روز عرفه، روزه بگیرد و اگر این کار را نکرد می‌تواند در ایام التشریق روزه بگیرد. به دلیل گفته ابن عمر و عایشه : **(لَمْ يَرْخَصْ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ أَنْ يَصْمِنَ إِلَّا لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ)** <sup>[925]</sup> «روز در ایام التشریق جایز نیست مگر برای کسی که هدیه نیابد».

یادآوری : حکم مرد دقیقاً مانند حکم زن است با این تفاوت که اگر زن با زور مجبور به جماع شده باشد، ذبح بر او واجب نیست و حشش صحیح است ولی حج همسرش که با او جماع کرده صحیح نیست. <sup>[926]</sup>

از سعید بن جبیر روایت است : **(جاء رجل إلى ابن عباس فقال : وقعت على امرأتی قبل أن أزور. فقال : إن كانت أعانتک فعلى کل منکما ناقة حسناء جملاء، و إن كانت لم تعنک فعلى ناقة حسناء جملاء)** <sup>[927]</sup> «مردی نزد ابن عباس آمد و گفت : قبل از آنکه (طواف) زیارت کنم با همسر جماع کردم. (ابن عباس) گفت : اگر همسرش در جماع با تو همکاری کرده باشد، بر هر کدام از شما شتری خوب و زیبا واجب است. ولی اگر با تو مساعدت نکرده، فقط بر تو شتری خوب و زیبا واجب است».

فهرست

**ذبح در حج :**

**1- ذبح تمتع و قرآن :**

این ذبح به کسی که به حج تمتع یا حج قرآن احرام بسته واجب است. به دلیل فرموده خداوند متعال :



( فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ) (بقره : 192)

«پس کسی که از عمره بهره‌مند گردد سپس حج را آغاز کند آنچه از هدی میسر شد (ذبح می‌کند و به فقرا می‌دهد) و کسی که (هدی یا بهای آنرا) نیابد، سه روز در (ایام) حج و هفت روز هنگامی که بازگشت (به خانه و کاشانه خود) باید روزه بگیرد».

## 2- ذبح (دم) فدیة :

این ذبح هنگامی بر حاجی واجب می‌گردد که سرش را به سبب بیماری یا ناراحتی دیگر بتراند، به دلیل فرموده خداوند متعال :

( فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ) (بقره : 196)

«و اگر کسی از شما بیمار شد یا ناراحتی در سر داشت (به سبب زخم یا سردرد و بیماری‌های دیگر و ناچار شد موی سرش را بتراند باید که) فدیة بدهد از قبیل (سه روز) روزه یا صدقه و یا حیوان (که باید ذبح شود و در میان فقراء تقسیم شود)».

## 3- ذبح (دم) جزاء :

این ذبح هنگامی بر محرم واجب می‌گردد که حیوانی را از حیوانات خشکی شکار کند، اما صید حیوانات دریایی چیزی را بر محرم واجب نمی‌کند (در این باره قبلاً بحث شد).

## 4- ذبح (دم) احصار :

این ذبح هنگامی بر شخص واجب می‌گردد که از کامل کردن مناسک حج به سببی مانند بیماری، دشمن و غیره، بازداشته شود، البته این در حالتی است که هنگام بستن احرام آن را شرط نکرده باشد، به دلیل فرموده خداوند متعال :

( فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ) (بقره : 196)

«و اگر (از برگزاری بعضی از مناسک، به وسیله دشمن یا بیماری و غیره) باز داشته شدید هر آنچه از هدی فراهم شود (ذبح کنید)».

## 5- ذبح (دم) به سبب همبستری :

این ذبح هنگامی بر حاجی واجب می‌گردد که در مدت احرام، با همسرش همبستر شود. (در این باره قبلاً بحث شد).

## عمره

«عمره از بزرگترین عبادات و افضل‌ترین اعمالی است که بوسیله آن خداوند درجات بندگانش را بالا برده و گناهانشان را محو می‌کند. پیامبر r با گفتار و کردار خود آنرا مورد تشویق قرار داده و فرموده است: (العمره إلى العمرة، كفارة لما بينهما) [928] «عمره تا عمره كفاره گناهی است که بین آن دو انجام داده می‌شود». و در حدیثی دیگر می‌فرماید: (تابعوا بين الحج و العمرة، فإنهما ينفيان الفقر و الذنوب كما ينفي الكير خبث الحديد والذهب و الفضة) [929] «حج و عمره را پی در پی انجام دهید؛ زیرا آن دو فقر و گناهان را از بین می‌برند همچنان که دم آهنگری ناخالصی و زواید آهن و طلا و نقره را از بین می‌برد».

پیامبر r عمره انجام داده و اصحابش با وی و بعد از وفات ایشان عمره را بجای آورده‌اند. [930]

### ارکان عمره:

#### 1- احرام :

احرام نیت دخول در عمره است؛ به دلیل فرموده پیامبر r: (إنما الأعمال بالنیات) [931] «قبول و صحت اعمال با نیات است».

#### 2 و 3- طواف و سعی :

به دلیل فرموده خداوند معال :

(وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ) (حج : 29)

«و خانه قدیمی (بیت‌الله) را طواف کنند».

و می‌فرماید :

(إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرَّةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا)

(بقره: 158).

«بی‌گمان (دو کوه) صفا و مروه از نشانه‌های (دین) خدا و عبادت الله است. پس هر کس حج بیت‌الله یا عمره را به جای آورد بر او گناهی نخواهد بود که آن دو (کوه) را بارها طواف کند،

#### 4- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر :

به دلیل حدیث ابن عمر از پیامبر r که فرمود : (من لم یکن معه هدی فلیطف بالبیئت، و بین الصفا و المروة، و الیقصر ولیحلل)<sup>[932]</sup> «کسی که هدی همراه ندارد، بیت‌الله را طواف و بین صفا و مروه سعی و (موی سرش را) کوتاه کند و از احرام بیرون بیاید».

#### واجبات عمره:

کسی که می‌خواهد عمره را بجای بیاورد، اگر در سرزمینی قبل از میقات اقامت دارد باید از میقات احرام ببندد و اگر مقیم سرزمینی بعد از میقات باشد، باید از منزلش احرام ببندد، اما کسی که در مکه اقامت دارد، باید به خارج از حرم برود و از آنجا احرام ببندد (چون پیامبر r به عایشه دستور داد که از «تنعیم» احرام ببندد).<sup>[933]</sup>

#### وقت عمره:

تمام ایام سال وقت انجام عمره است، البته در رمضان بهتر از ماههای دیگر است، چون پیامبر r فرموده‌اند : (عمره فی رمضان تعدل حجة)<sup>[934]</sup> «عمره‌ای در رمضان معادل یک حج است».

#### جواز عمره قبل از حج:

از عکرمة بن خالد روایت است : (أنه سأل ابن عمر t عن العمره قبل الحج فقال : لا بأس، قال عکرمة : قال ابن عمر : اعتمر النبی r قبل أن یحج)<sup>[935]</sup> «از ابن عمر t درباره عمره قبل از حج سؤال کرد، ابن عمر گفت : اشکالی ندارد، عکرمة گوید: ابن عمر گفت : پیامبر r قبل از آنکه حج را بجای بیاورد، عمره کرد».

#### فهرست

#### تکرار عمره ۰:

پیامبر r در چهار سال چهار عمره انجام داد، و در هر سفر بیش از یک عمره انجام نداده. و همچنین هیچ کدام از اصحاب وی y، در هر سفر بیش از یک عمره انجام نداده‌اند و نشنیده‌ایم که هیچ کدام از آنها در یک سفر دو عمره بجای آورده باشند چه در زمان حیات پیامبر r و چه بعد از وفات او، به جز عایشه (رض) که وقتی با پیامبر r به حج رفت و عادت ماهیانه شد پس از آن پیامبر r به برادرش عبدالرحمن بن ابوبکر دستور داد تا با او به تنعیم برود و از آنجا برای عمره احرام ببندد؛ چون عایشه گمان کرد عمره‌ای که با

حجش انجام داده باطل شده است (و به این خاطر) گریه کرد، سپس پیامبر r بمنظور دلجویی عایشه به او اجازه داد تا عمره را به جای آورد.

و این عمره فقط به عائشه اختصاص دارد چون کسی از اصحاب چه مرد و چه زن همانند عائشه بعد از اتمام حج به قصد عمره به تنعیم نرفته و احرام نبسته‌اند، در حالیکه اگر اصحاب بر این باور بودند که کار عایشه برای آنان نیز مشروعیت دارد، چیزی در این باره از آنها نقل می‌شد.

امام شوکانی(ره) گوید: «پیامبر r به خاطر انجام عمره از مکه خارج نشده تا از میقات حرام ببندد و دوباره به مکه برگردد و عمره انجام دهد، کاری که امروزه مردم انجام می‌دهند، و این کار نیز از هیچ کدام از صحابه ثابت نشده است».

همانطوری که تکرار عمره بعد از حج، از اصحاب y ثابت نشده، تکرار آن در سایر ایام سال نیز از آنها ثابت نشده است آنان به صورت فردی و جمعی برای عمره به مکه می‌رفتند و می‌دانستند که عمره عبارت از طواف خانه خدا و سعی بین صفا و مروه است، و همچنین به طور یقین می‌دانستند که طواف خانه خدا بهتر از سعی بین صفا و مروه است. بنابراین به جای آن که خودشان را به رفتن به تنعیم و بستن احرام برای عمره جدیدی بعد از عمره اول مشغول کنند، ترجیح می‌دادند که خانه خدا را طواف کنند. و معلوم است مدت زمانی را که شخص برای رفتن به تنعیم و بستن احرام برای عمره جدید صرف می‌کند، می‌تواند به جای آن صدها دور، خانه خدا را طواف کند.

«طاووس»(ره) گوید: «کسانی که به تنعیم رفته و از آنجا برای عمره احرام می‌بندند نمی‌دانم که آیا با این کارشان پاداش داده می‌شوند یا عذاب!! (با تعجب) به او گفته شد: عذاب داده می‌شوند؟ گفت: بله چون اینها طواف خانه خدا را ترک کرده و به چهار مایل دورتر رفته و برمی‌گردند در حالیکه بجای پیمودن چهار مایل می‌توانند دویست بار طواف انجام دهند و هر طواف بیت‌الله بهتر از این است که برای کاری بی‌اساس خارج شوند».

بنابراین عدم مشروعیت تکرار عمره چیزی است که سنت عملی پیامبر r و عمل اصحاب(رضوان الله علیهم) بر آن دلالت دارد و پیامبر علیه الصلاه والسلام ما را به پیروی از سنت نبوی و سنت خلفای بعد از خود امر کرده و فرموده است: **(علیکم بسنتی و سنة الخلفاء المهتدین الراشدين من بعدی، عضوا علیها بالنواجذ)** «به سنت من و سنت خلفای راشدین و هدایت یافته بعد از من تمسک جوئید و آن را با دندان‌های آسیاب بگیریید»<sup>(\*)</sup>. [936]

## زیارت مدینه منوره (\*)

### فضیلت مدینه:

از جابر بن سمره روایت است: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: (إن الله تعالى سمى المدينة طابة) [937] «خداوند متعال مدینه را طابه (فرح‌بخش و خوب) نامید».

از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (إن المدينة كالكير، تخرج الخبيث، لاتقوم الساعة حتى تنفى المدينة شرارها، كما ينفى الكير خبث الحديد) [938] «مدینه همچون دم آهن‌گری خبیث را بیرون می‌کند، و قیامت برپا نمی‌شود تا وقتی که مدینه انسان‌های شرورش را بیرون نراند، همانطور که دم آهن‌گری ناخالصی‌های آهن را بیرون می‌کند».

### فضیلت مسجد نبوی و نماز خواندن در آن:

از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (لاتشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: مسجدي هذا، و مسجد الحرام، و مسجد الأقصى) [939] «(به قصد زیارت) بار و اثاث (سفر) بسته نمی‌شود مگر به قصد سه مسجد، این مسجد من (مسجدالنبی)، مسجدالحرام و مسجدالأقصی».

همچنین از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود:

(صلاة في مسجدي هذا خير من ألف صلاة في غيره من المساجد، إلا المسجد الحرام) [940] «خواندن یک نماز در مسجد من (مسجدالنبی) بهتر از خواندن هزار نماز در سایر مساجد است به جز مسجدالحرام».

از عبدالله بن زید روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (ما بين بيتي و منبري روضة من رياض الجنة) [941] «بین خانه من و منبرم باغی از باغ‌های بهشت هست».

### آداب زیارت مسجد نبوی و قبر شریف:

خداوند منزلت و جایگاه ویژه‌ای به مسجدالنبی، مسجدالحرام و مسجدالأقصی عطا فرموده است، بطوریکه نماز خواندن در آنها بر سایر مساجد برتری دارد.

پس کسی که به این مساجد می‌آید باید به قصد ثواب و اجابت دعوت پیامبر ﷺ که رفتن به زیارت آنها را مورد تشویق قرار داده است، بیاید.

البته برای زیارت این مساجد، آداب و دستورات خاصی وجود ندارد که آنها را از سایر مساجد جدا کند ولی وجود قبر پیامبر ﷺ در مسجدالنبی ممکن است برای بعضی این شبهه را

بوجود آورد که این مسجد دارای آداب خاصی است و اگر قبر شریف داخل مسجد نمی‌بود، شاید این شبهه بوجود نمی‌آمد.

برای اینکه مسلمانی که وارد مدینه می‌شود و قصد زیارت مسجدالنبی را دارد، اعمالش از روی آگاهی باشد، آداب زیارت مسجدالنبی را ذکر می‌کنیم :

1- وقتی داخل مسجد شد با پای راستش داخل شود و بگوید : **(اللهم صل علی محمد و سلم، اللهم افتح لی أبواب رحمتک)** [942] «خداوندا! بر محمد صلوات و سلام بفرست، خداوندا! درهای رحمتت را بر من بگشای».

2- قبل از نشستن دو رکعت تحیه المسجد بخواند.

3- از دعا کردن و خواندن نماز، رو به قبر شریف پیامبر r خودداری کند.

4- سپس برای سلام گفتن به طرف قبر شریف رفته و از گذاشتن دست روی سینه‌اش خودداری نماید، سرش را پایین نیندازد و از ذلتی که فقط لایق است در مقابل خدای یکتا داشته باشیم، اجتناب ورزد و از پیامبر طلب کمک و فریادرسی نکند، و با الفاظ و کلماتی که پیامبر بر اهل بقیع سلام داده، بر پیامبر r سلام گوید. الفاظ متعددی از پیامبر r درباره زیارت قبور به اثبات رسیده که عبارتند از :

**(السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، و یرحم الله المستقدمین منا و المستأخرین، و إنا إن شاء الله بکم لاحقون)** [943] «سلام بر مؤمنان و مسلمانان این دیار، خداوند به گذشتگان و آیندگان ما رحم کند و ما هم انشاء الله به شما ملحق می‌شویم». سپس به همین ترتیب بر دو بیار پیامبر r ابوبکر و عمر (ض) سلام بفرستد.

5- بلند کردن صدا در مسجدالنبی یا در کنار قبر پیامبر r دور از ادب است : بلکه باید به آرامی صحبت کند؛ چون ادب با پیامبر r در حال وفات مانند ادب در حال حیاتش است.

6- باید بر ادای نماز در صفوف اول جماعت حریص باشد؛ چون نماز خواندن در صف اول فضیلتی زیاد و ثوابی فراوان دارد.

7- نباید حرص خواندن نماز در روضه، او را از صف اول جماعت به تأخیر بیندازد؛ چراکه نماز در روضه هیچ گونه برتری بر نماز در سایر جاهای مسجد ندارد.

8- حرص بر ادای چهل نماز متوالی در مسجدالنبی بر اساس حدیث زیر که در میان مردم مشهور شده و رواج پیدا کرده، مستحب نیست : **(من صلی فی مسجدي أربعین صلاة لایفوته صلاة کتبت له براءة من النار، و نجا من العذاب، و بری من النفاق)** [944] «کسی که در مسجد من چهل نماز بخواند و هیچ نمازی را از دست ندهد از آتش و عذاب جهنم نجات پیدا می‌کند، و از نفاق پاک می‌شود». چون این حدیث ضعیف و غیر صحیح است.

9- زیاد رفتن نزد قبر شریف پیامبر r بمنظور سلام گفتن مشروعیت ندارد؛ و ن از هر جا سلام گفته شود به او می‌رسد، اگرچه از دورترین نقاط زمین هم باشد، لذا کسی که از دورترین نقاط بر او سلام می‌گوید با کسی که کنار قبر او است در برخورداری از ثواب و صلوات و سلام یکسان هستند.

10- در وقت بیرون رفتن از مسجد نباید به صورت عقب‌گرد خارج شود بلکه باید پای چپش را جلو گذاشته و بگوید: **(اللهم صل على محمد، اللهم انى أسألك من فضلك)** [945] «خداوند! بر محمد صلوات (و سلام) بفرست خداوند! از تو طلب فضل می‌کنم».

## فهرست

### مسجد قباء:

سنت است کسی که به مدینه می‌رود به مسجد قباء رفته و به پیروی از پیامبر r در آنجا نماز بخواند؛ چون در حدیث آمده: **(كان عليه الصلاة والسلام يتعاهده بالزيارة ماشيا و راكبا، و يأتيه يوم السبت فيصلى فيه ركعتين)** [946] «پیامبر r پیاده و سواره پای‌بند رفتن به مسجد قباء بود و روزهای شنبه به آنجا می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند».

در حدیثی دیگر می‌فرماید: **(من تطهر في بيته ثم أتى مسجد قباء فصلى فيه، كان له كأجر عمرة)** [947] «کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد سپس به مسجد قباء رفته و در آن نماز بخواند، پاداش یک عمره را دریافت می‌نماید».

### بقیع و أحد:

بقیع مقبره مسلمانان در مدینه است که گروه زیادی از اصحاب در آن دفن شده‌اند و تا امروز نیز مسلمانان در آن دفن می‌شوند و بسیاری از آنها کسانی هستند که به امید مردن در مدینه و دفن در بقیع به آنجا می‌روند.

پیامبر r فرمودند: **(أحد جبل يحبنا و نحبه)** [948] «أحد کوهی است که ما را دوست دارد و ما هم آن را دوست داریم». در کنار آن هفتاد و اندی شهید، از شهدای غزوه‌ای که در اطراف آن به وقوع پیوست، دفن شده‌اند. این غزوه به نام آن کوه (غزوه احد) نام گرفته است.

پس هرگاه کسی به مدینه رفت اشکالی ندارد بقیع یا شهدای أحد را زیارت کند؛ چون پیامبر r در آغاز از زیارت قبور نهی کرد، سپس به منظور بیادآوردن آخرت و عبرت گرفتن از کسانی که در آنجا دفن شده‌اند، به آن اجازه داد. ولی باید از تبرک جستن به قبور و استغاثه از مردگان و شفیع قرار دادن و توسل کردن به آنان خودداری شود.

بالا رفتن و نماز خواندن در محلی از کوه احد که گفته می‌شود محل نماز پیامبر r بوده، یا بالا رفتن به آن جهت تبرک، یا بالا رفتن به کوه رماه جهت جستجوی آثار صحابه؛ و از

این قبیل اعمال، هیچ مشروعیتی نداشته و مستحب نیست، بلکه از امور مستحدثه‌ای است که شرع از آنها نهی کرده است. در این باره عمر t می‌گوید: **(إِنَّمَا هَلَكٌ مِنْ كَانُ قَبْلَكُمْ بِتَتَّبِعُهُمْ أَثَارَ أَنْبِيَاءِهِمْ)** «کسانی که قبل از شما بودند به سبب جستجوی آثار پیامبران به هلاکت رسیدند». پس باید سخن عمر t برای ما قانع‌کننده و فصل‌الخطاب باشد.

## فهرست

### زیارتگاه‌ها:

در مدینه منوره اما کنی هست که بعنوان زیارتگاه شناخته می‌شوند مانند هفت مسجد نزدیک محل وقوع غزوه خندق، مسجد قبلتین، بعضی چاهها، مسجد غمامه و مساجدی که به ابوبکر و عمر و عایشه y جمعاً نسبت داده می‌شود. تخصیص این اماکن به زیارت مشروع نیست و زیارت‌کننده این اماکن نباید گمان کند که با زیارت آنها اجر و ثواب بیشتری دریافت می‌کند؛ چون جستجوی آثار انبیاء و صالحین سبب هلاکت امت‌های قبل از ما شده است، و برای مسلمانان شایسته نیست که با سنت نبوی و روش اصحاب مخالفت کنند؛ چون خیر واقعی در پیروی از سنت نبوی و اصحاب، و شر واقعی در مخالفت با آنها است.

## فهرست

### دو تذکر بسیار مهم:

1- بسیاری از حجاج بر این حریص‌اند که ماندنشان در مدینه بیشتر از روزهایی باشد که در مکه بوده‌اند در حالی که یک نماز در مسجدالحرام با صد هزار نماز در سایر مساجد برابری می‌کند اما یک نماز در مسجدالنبی برابر با هزار نماز در سایر مساجد است و این تفاوت بزرگ در فضیلت بین نماز در مکه و نماز در مدینه دلیلی روشن برای حجاج است تا ماندنشان در مکه بیشتر از مدینه باشد.

2- بسیاری از حجاج گمان می‌کنند که زیارت مسجدالنبی جزو مناسک حج است و به این خاطر به همان اندازه که بر مناسک حج حریصند بر زیارت مسجدالنبی هم حرص می‌ورزند به طوری که اگر کسی حج کند و به مدینه نرود به نظر آنان حجت ناقص است.

در این باره احادیثی موضوع و دروغین را هم روایت می‌کنند مثل حدیث **(من حج فلم یزرنی فقد جفانی)** «کسی که حج کند و (قبر) مرا زیارت ننماید، به من جفا کرده است». در حالی که حقیقت برخلاف پندار آنان است؛ چون زیارت مسجدالنبی سنتی است که پیامبر r به نماز خواندن در آن تشویق کرده است و هیچ ربطی به حج ندارد، و زیارت مسجدالنبی از شروط صحت و حتی کمال حج نیست، البته در ذات خود عملی مشروع است.